

تأملاتی بر حیات روح انسانی

موسسه روحی

کتاب اول

طا - ۱۵۹ ب

مجموعه کتب روحی :

کتاب اول تاملاتی بر حیات روح انسان

مشمول بر : « فهم آثار مبارکه بهایی »

«دعا و مناجات»

«حیات و ممات»

کتاب دوّم قیام به خدمت

مشمول بر : «شوق تبلیغ»

«تزیید معلومات در مواضع امری»

«معرفی عقاید بهایی»

کتاب سوّم آموزش دروس امری به اطفال ، کلاس اوّل

مشمول بر : «بعضی از مبانی تربیتی بهایی»

«دروسی برای کلاس اوّل اطفال»

«اداره کلاس برای اطفال»

کتاب چهارم دو مظهر ظهور الهی

مشمول بر : «عظمت این یوم»

«حیات حضرباب»

«حیات حشرت بهاءالله»

کتاب پنجم آموزش کلاسهای اطفال ، کلاس دوّم و سوّم

مشمول بر : «دروسی برای کلاس دوّم اطفال»

«دروسی برای کلاس سوّم اطفال»

کتاب ششم تبلیغ امرالله

مشمول بر : «طبیعت روحانی تبلیغ»

«خصائص و ویژگیهای مبلغ»

«اقدام به تبلیغ»

کتاب هفتم یاری به دیگران در مطالعه کتب ۱-۶

مشمول بر : «سبیل روحانی»

« تیوتر شدن »

«استفاده از هنرها»

کتاب هشتم عهد و میثاق

مشمول بر : «میثاق الهی»

«میثاق حضرت بهاءالله»

کتاب نهم رفاه خانواده

مشمول بر : « حیات خانواده بهائی»

« اعطاء ، اساس روحانی رفاه»

فهرست مواضع:

۱. همکاران گرامی
۲. فهم آثار مبارکه بهائی
۳. دعا و مناجات
۴. حیات و ممات

همکاران گرامی:

موسسه روحی عنوان اصطلاح «همکار» را برای تمام افرادی که در دوره های موسسه مطالعه و یا تدریس می نمایند، صرفنظر از محل سکونتشان، استفاده می نماید. این شرکت کنندگان فی الواقع همکار یکدیگرند چه که همه در هدف موسسه که استفاده از این دوره ها به جهت خدمت به امرالله و رفاه و آسایش بشریت است سهیم و شریکند. در هر گروه همواره یک نفر بعنوان تیوتر (tutor) یا «راهنما» می باشد که دارای تجربه بیشتری است و بقیه اعضا عبارتند از همراهانی که در مسیر تعلیم خود در این دوره از او کمک می گیرند. البته همه شرکت کنندگان بخوبی می دانند که این جریان، تعلیمی دو جانبه است. هر یک از همراهان خود، مسئولیت فراگیری را بعهده می گیرد و «راهنما» تسهیل گر این جریان تعلیمی می باشد و به مواد درسی ابعاد جدیدی از بصیرت می افزاید، این رابطه، رابطه شخصی عالم با گروهی نادان نمی باشد.

«فهم آثار مبارکه بهائی» «دعا و مناجات» «حیات و ممات» معمولاً واحدهای اولیه ای است که گروهی از همراهان جهت مطالعه و فراگیری انتخاب می کنند. آرزومندیم که راهنمای محترم این مطالب را دقیقاً مطالعه نماید، و نکات آن را با بقیه همراهان مورد بحث قرار دهد. کسانی که این درسها را برای اولین بار فرا می گیرند، لزومی ندارد خود را با این مقدمه درگیر نمایند زیرا روزی خود راهنمای گروهی از همراهان جدید خواهند شد و این مطالب و نکات را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند داد.

برای مطالعه دروس روحی، شرکت کنندگان باید سه مرحله از فهم را طی نمایند. مرحله اول فهم کلی و اساسی معانی کلمات و جملات نصوص مبارکه است که محور مطالعه در این دوره ها می باشند. لذا، برای مثال، پس از خواندن این قسمت از آثار قلم اعلی که می فرمایند: «اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده» از همراهان سؤال می شود: «چگونه می توان عالم را اصلاح نمود؟» در وهله اول شاید اینگونه سؤالات بسیار آسان و ساده بنظر آید، اما از دو نقطه نظر ذیل که از تجربه واقعی سرچشمه گرفته است، علت استفاده از این روش آسان جهت رسیدن به مرحله اول فهم و ادراک واضح می شود:

اول آنکه معمولاً راهنمای گروه شرکت کنندگان را به گروه های دو نفری تقسیم می کند که یکی از آنها نصّ مبارک را با صدای بلند می خواند و نفر دوم باید سؤالی را طرح کند که جوابش مستقیماً در آن نصّ باشد. در ابتدا طرح سؤال از یک جمله کار آسانی نیست، اکثر شرکت کنندگان احتیاج به تجربه بیشتری دارند تا این مهارت ظاهراً ساده را کسب نمایند.

در ثانی بعضی از افراد در دادن رأی خود اصرار نموده از تکرار نصّ مبارک به عنوان جواب خودداری می کنند. البته، داشتن رأی شخصی و بیان آن، کار خطائی نیست؛ اما فهمیدن نصوص مبارکه باید در ابتدا ناشی از تمرکز فکر در آنچه خوانده می شود؛ باشد. قبل از آنکه به آراء و نظریات شخصی خود فرصت جولان دهیم و به بیان آن پردازیم، بنظر می رسد اگر در مراحل اولیه مطالعه امر بهائی، قدرت تمرکز در معانی

صریح و واضح جملات آثار مبارکه ایجاد شود، می توانیم به وحدت نظر در جامعه برسیم ، زیرا این وحدت فقط هنگامی ایجاد می گردد که آراء شخصیه بنور علم و حکمت الهی روشن و منیر گردد.

لازم است بدانیم که وصول به اولین مرحله فهم و ادراک ابدأً احتیاج به بحث مطوّل درباره معانی هر یک از کلمات، خارج از متن و زمینه نص مورد بحث ندارد. در واقع اغلب راهنمایان ملاحظه نموده اند که استفاده شرکت کنندگان از فرهنگ لغات برای فهم کلمات دشوار مانع از فراگیری ایشان است. بهتر آن است که آنان را کمک نموده تا معانی کلمات را از طریق بحث پیرامون کل عبارات و یا فقرات استنباط کنند.

مرحله دوّم فهم و ادراک، با بکار بستن و تطبیق بعضی از مفاهیم نصوص مبارکه در زندگی روزانه مرتبط است. برای مثال: سؤال اول از قسمت دوّم مطلب «فهم آثار مبارکه بهائی» از همراهان خواسته است تا بعضی از رفتارهای پسندیده را تعیین نمایند، جواب این سؤال آسان است اما لازم است که گروه درباره نحوه اجراء نصّ مبارک تفکر کنند. البته جواب تمام سؤالات این مرحله به این سادگی و آسانی نمی باشد. مثلاً بمنظور تعیین صحّت و یا اشتباه این جمله که می گوید « تعداد افراد خوب آنقدر در عالم کم است که اعمالشان هیچ تأثیری ندارد » همراهان باید توضیح دهند که چگونه این جمله با نصوص مبارکه که قبلاً مطالعه نموده اند تناقض دارد.

در مرحله سوّم از فهم و ادراک، همراهان باید درباره نحوه اجراء مفاهیم نصوص مبارکه در موقعیتهایی که هیچ ارتباط مستقیم و واضحی با موضوع نص ندارد تفکر و تعمق نمایند. برای مثال این سؤال: « آیا بهائیان می توانند به خطای خود نزد دیگران اقرار کنند؟ » اشاره به مسأله اقرار به معاصی به جهت بخشش گناهان است. راهنمای گروه باید این مسأله را هنگامی در میان گذارد که گروه درباره مفاهیم ضمنی این آیه مبارکه « حَاسِبِ نَفْسِكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِّن قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبَ » (قبل از اینکه به حساب تو رسیدگی شود به حساب خود رسیدگی کن) بحث و مشورت می کند.

تجربه سالیان دراز دوره های موسسه روحی نشان داده است که بررسی مسائل و حقایق در سه مرحله فوق الذکر فهم و ادراک، در همکاران روح خدمت به امرالله را بنحو مستحکمی ایجاد می نماید. اما آنچه که موجب تعجب افرادی می شود که با این تجربه آشنایی ندارند آن است که، تطویل بحث و مشورت درباره هر نکته و افزودن مطالب جنبی مربوط به آن فی الحقیقه از اثر این دوره بنحو بسزا می کاهد. علت اساسی آن است که هر دوره حد معینی از پیشرفت را ایجاد می نماید و بدین وسیله همراهان این احساس را خواهند کرد که بر حسب استعداد خویش بسرعت در حال ترقی هستند. البته مقصود این نیست که درسها بسرعت، بصورت سطحی و بدون دقت در حلّ تمرینات خوانده شود. گروه هائی که از این روش سطحی پیروی نموده بیش از چند جلسه ادامه نداده اند. لذا توجه به این نکته ضروری است که پس از آنکه مطلب مورد بحث فهمیده شد و نحوه اجراء آن تا حدی روشن و واضح گردید باید به مطلب بعدی درس پرداخت. علت دیگر تأکید بر لزوم احتراز از بحثهای مطوّل، مربوط به عادت تعبیر کردن و حدس زدن است که متأسفانه گاهی در بعضی از جوامع ما وجود دارد. بدیهی است که یک آیه از آثار مبارکه لاجرم صد هزار نکته و مطلب زیبا را بخاطر می آورد، و چنانچه این نکات در فرصت های مناسب با دوستان در میان گذارده شود موجب فرح و شادی بسیار می گردد. اما باید بر حذر بود که مبدا این نحوه رفتار وسیله ای برای برآوردن خواسته های

نفس و اصرار بر رأی شخصی گردد. تجربه موسسه روحی نشان داده است که با عدم طرح سؤالی مانند «این موضوع برای شما چه معنی دارد؟» از قوه تفکر و یا شخصیت شرکت کنندگان نمی‌کاهد، بلکه علت پیشرفت و ترقی جوامعی می‌گردد که هر هنگام با سؤالی رو برو می‌شوند قبل از هر کار به آثار مبارکه رجوع نموده آن را مبدأ و اساس مشورت خود قرار می‌دهند. ما معتقدیم که عادت تفکر در مفاهیم آثار مبارکه و نحوه اجرای آن با حداقل تفسیر و تأویل شخصی، از ایجاد اختلاف در جریان مشورت در بسیاری از جوامع، جلوگیری می‌نماید و به علاوه فعالیت های جوامع را مؤثرتر می‌سازد.

برای آمادگی جهت تدریس سه واحد این کتاب باید راهنمای گروه هر قسمت را خوب مطالعه نموده، سؤالات آن را بر طبق سه مرحله فهم و ادراک ترتیب دهد، و اگر لازم باشد می‌توان سؤالات اضافی تهیه نمود که منتج به تحرک مشورت درباره مطلب مذکور گردد.

هدف از واحد اول این کتاب، «فهم آثار مبارکه بهائی»، آن است که شرکت کنندگان را بخواندن آثار مبارکه و تفکر در آن، که با نصوص یک جمله ای شروع شده، عادت دهد. تلاوت آثار مبارکه هر روز اقلأ در هر صبح و شام یکی از احکام بسیار مهم امر الهی است. اما تلاوت آثار همانند خواندن هزاران صفحه که یک شخص با سواد در تمام دوران زندگی خود می‌خواند نیست. خواندن کلمات مقدسه مانند نوشیدن از بحر وحی الهی است چه که منجر به فهم حقایق روحانی می‌گردد و قوای لازمه جهت ترقی روح را ایجاد می‌کند. اما برای وصول به فهم حقیقی باید هر فرد درباره معنی هر جمله ای که می‌خواند و نحوه اجراء آن در زندگی شخصی خود و جامعه امعان نظر و تفکر نماید.

«دعا و مناجات» واحد دوم این کتاب است. جهت تدریس آن لازم است که راهنما در اهداف سه گانه اساسی آن تفکر و تأمل نماید. اول توضیح مفهوم دعا و مناجات است و کمک به همراهان تا اهمیت بسزای آن را بعنوان یکی از احکام این دور مبارک درک نمایند. برای تحقق این هدف گاهی لازم است که شک و تردید را از بین برده و افکار و عقایدی را که از تفاسیر نادرست گذشته سرچشمه گرفته است، با دقت تمام توضیح داد و روشن نمود. همچنین این هدف مستلزم فهم دقیق و واضح این طلب است که احتیاج شدید به انجام این حکم مقدس همانند احتیاج بدن به تغذیه روزانه می‌باشد.

علاوه بر اجرای این حکم مقدس، هر فرد باید میل شدیدی به دعا و مناجات داشته باشد. لهذا هدف دوم این دوره آن است که در شرکت کنندگان رغبت و شوق «گفتگو با خداوند» را بیدار کرده، احساس سرور و سعادت را در نزدیکی و تقرب به حضرتش دانند. از این گذشته هر فردی باید از سنین کودکی در خود عادات روحانی متعددی را ایجاد نماید، دعای روزانه از مهمترین این عادات روحانی محسوب است.

هدف سوم این دوره مرتبط است به نحوه و حالاتی که دعا و مناجات را باید تلاوت نمود. متأسفانه بشریت همواره فهم خود را از نحوه ادای دعا و مناجات از دست داده، و شرایط روحانی لازم را به شعاع بی روح و بی معنی مبدل ساخته است. لهذا باید گروه مطالعه در قسمت های مربوط به حالات روح و عقل که تأثیر در ایجاد حالت دعا و مناجات دارد به اندازه کافی مشورت نماید و همچنین شرایطی را که باید در محیط جهت دعا و مناجات ایجاد شود، به نحو شایسته مورد بحث و بررسی قرار دهد.

واحد سوم این کتاب «حیات و ممات» است که برای همکاران موسسه روحی موضوع حساسی است. چه هنگامی که برای اولین بار این موضوع را مورد بحث و مطالعه قرار می دهند و چه بعدها که بعنوان راهنما دیگران را کمک خواهند نمود تا با محتوای آن آشنا گردند. موضوع حیات و ممات در اولین کتاب برنامه موسسه گنجانده شده است چه که به منظور فهم همراهان در انتخاب مسیر و راههای خدمت بسیار ضروری است. خدمت در این عالم را به معنای دقیق حیاتی که فراتر از این عالم مادی بوده و برای همیشه ادامه خواهد داشت باید درک نمود، چه که روح انسان عوالم نامتناهی الهیه را جهت ترقی خود طی می نماید. در جریان تعلیم بر خلاف اکتساب مهارتهای ساده، لازم است همراهان بطور دائم از اهمیت و مفهوم اقدامات خود در این دوره آگاه باشند. هر قدر این آگاهی بیشتر شود همراهان خود را فعالتر و بیشتر مسئول فراگیری خویش می یابند نه آنکه فقط دریافت کننده مقداری معلومات از معلم گردند.

هر قسمت از این واحد با یک مقاله و یا نصی از آثار مبارکه شروع می شود، سپس مجموعه ای از تمرینات طرح شده است تا همراهان را در فهم بیان و مفاهیم مقاله کمک نماید. بر خلاف دو واحد قبلی که شامل تمریناتی است که همراهان را کمک می نماید تا درباره نحوه اجرای آن نکات در زندگی خود و جامعه تفکر کنند، در این واحد بعلا نظری بودن مطالب تمام تمرینات آن به مرحله فهم و ادراک مرتبط است. فقط در آخرین قسمت از همراهان خواسته شده است که در نحوه تطبیق این دوره در زندگی خود تفکر نمایند.

همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد همراهان در دوره های موسسه روحی باید تشویق شوند که از تعبیرات شخصی و غیر لازم خودداری نمایند و به جوابهای مشخص و واضحی که مستقیماً از نصوص استنتاج می نمایند اکتفا کنند. با وجود این سؤالاتی هست که نمی توان بدان جواب سریع و قطعی داد. این سؤالات بنحوی طرح شده است که منجر به ازدیاد آگاهی در مورد موضوع شود. و اگر همراهان فقط در هر سؤالی قدری تفکر کنند هدف فراگیری انجام خواهد پذیرفت.

باید خاطر نشان ساخت که زبان نصوص مبارکه این واحد مشکلتر از دو واحد قبل است. لذا راهنمای گروه باید خیلی مواظب باشد که اهمیت زیاد به کلمات سخت و دشوار آن ندهد بلکه مطمئن شود که همراهان مضمون اساسی هر نص را که هدف سؤالات است به خوبی درک می نمایند.

برای رسیدن به نتیجه بهتری از فراگیری این واحد از دروس ضروری است که از ارائه نظرهای گوناگون و مطالب زیاد در یک جلسه خودداری شود. و مهمتر از همه آنکه مطالب به همان ترتیبی که پیش بینی شده ارائه گردد:

۱- زندگی چگونه شروع می شود و مرگ چیست؟

* روح یک جوهر روحانی است که خداوند خلق فرموده است.

* روح و جسم هر دو با هم وجود انسانی را تشکیل می دهند.

* مرگ فقط تغییر حالت است و پس از آن روح تا ابد ترقی می کند.

۲- هدف از زندگی

- * هدف از زندگی معرفت خداوند و تقرّب به ساحت اقدسش می باشد.
- * فردی که به عرفان مظهر الهی رسد به خداوند نزدیک می شود و هر شخصی که حضرتش را قبول ننمود و اعراض کرد، خود را محکوم به درماندگی انحراف از حق نموده است .
- * همانگونه که انسان در رحم مادر قوایی را که برای این جهان احتیاج دارد کسب می کند، در این جهان نیز می بایست قوایی را که برای عالم بعد احتیاج دارد کسب نماید.

۳- طبیعت روح

- * روح آیت الهی است.
- * روحی که به خداوند مؤمن و وفادار است تجلیات الهی را منعکس می نماید و به حق نزدیک میشود.
- * تعلقات دنیوی و آمال و آرزوهای نفسانی و بیهوده مانع از ترقی روح بسوی حق می گردد و در نتیجه آنرا ضعیف و عاجز می سازد.
- * خداوند به انسان قدرت تجلی جمیع اسماء و صفات خود (صفات الهی) را عنایت فرموده.

۴- روح بخودی خود ترقی نمی کند بلکه محتاج مظهر الهی است.

- * استعدادهای انسان در وجود او نهفته است ، و فقط با کمک مظاهر الهیه است که ترقی می نماید و به منصّه ظهور میرسد.
- * عرفان مظاهر مقدسه الهیه همانا عرفان حق است.
- * به وسیله تربیت روحانی کنوز نهفته و مکنون در ما ظاهر می شود.

۵- حالت روح پس از مرگ

* روح مؤمن و وفادار به مقامی رفیع و سعادت‌آبدی فائز می‌گردد، اما روح غیر مؤمن به آنچه که از دست داده پی برده در پشیمانی ابدی می‌گذراند.

* هیچ فردی عاقبت حال خود را نمی‌داند لهذا باید دیگران را ببخشد و احساس برتری بر آنان ننماید.

* در عالم بعد ارواح مقدسه به همه اسرار پی برده ناظر جمال الهی می‌گردند.

* در عالم بعد ما عزیزان خود را خواهیم شناخت و از مؤانست احبای الهی بهره مند خواهیم شد، و زندگی خود را در این عالم جسمانی بیاد خواهیم داشت.

۶- حالت مناسب ما در قبال شرایط کنونی زندگی خود

* نباید هیچ مسأله‌ای ما را در این جهان افسرده و ناراحت نماید، چه که سعادت ابدی در پیش داریم.

فهم آثار بهائی

هدف:

توسعه استعداد برای خواندن آثار بهائی و تعمق در معانی آن به منظور اجرای تلاوت روزانه آیات الهی .

تمرین:

تلاوت قسمتی از آثار مبارکه در هر صبح و شام .

قسمت اول :

در این بخش قسمتهای کوتاهی از آثار را مورد مطالعه قرار داده و درباره چگونگی اجرای آن در زندگی روزانه خود تفکر خواهیم نمود و در مرحله نخست با زیارت یک جمله از بیانات مبارکه به سوالی که در بیان مزبور مطرح گردیده پاسخ می‌گوییم. برای اخذ نتیجه مفید از این تمرین بهتر است بیان مبارک را با کمک یک نفر دیگر از شرکت کنندگان در این دوره مطالعه کنید. در این صورت یک نفر سؤال را مطرح می‌سازد و دیگری پاسخ می‌گوید و سپس نفر دوم سؤال را مطرح می‌سازد و نفر اول جواب می‌دهد .

« اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده » (۱)

۱- چگونه میتوان عالم را اصلاح نمود؟

« بگو ای اهل بهاء در سبیل نفوسی که اقوال و اعمالشان مخالف یکدیگر

است سالک نشوید » (۲)

۲- در راه چه نفوسی نباید سالک شویم؟

« يَا اِبْنَ الْوَجُودِ، حَاسِبِ نَفْسِكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ قَبْلِ اَنْ تُحَاسَبَ » (۳)

ای پسر وجود ، قبل از آنکه به حساب تو رسیدگی شود هرروز خویشتن

را ارزیابی نما. (ترجمه)

۳- قبل از آنکه مورد محاسبه قرار گیریم باید به چه کاری پردازیم ؟

« بگو ای برادران به اعمال خودرا بیارائید نه به اقوال » (۴)

۴- به چه چیز باید خود را بیاراییم؟

« کلمه طیبه و اعمال طاهره مقدسه به سماء عز احدیه صعود نماید. » (۵)

۵- نتیجه کلمه طیبه و اعمال طاهره مقدسه چیست؟

قسمت دوم :

در این قسمت تعدادی تمرینات مربوط به آثاری که مطالعه کرده اید ذکر می‌شود . پاسخ برخی از این سوالات بسیار آسان است و لزومی ندارد وقت زیادی برای گفتگو در باره آنها صرف نمایید . هنگامی که که سوالات به بحث بیشتری نیاز دارد باید بیشتر دقت نمود و در صورت لزوم با کمک راهنمای کلاس تمرین مزبور را روشن نمایید .

۱- راضیه مرضیه یعنی پسندیده ، کدام یک از این موارد ذیل پسندیده است :

- الف - کارگر خوبی بودن
- ب- به دیگران احترام گذاشتن
- ج- درس خوان بودن
- د- دروغگو بودن
- ه- تنبل بودن
- و- به جهت ترقی دیگران کمک نمودن

۲- مفهوم این بیان چیست؟ « مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبَ » (قبل از اینکه به حساب تو رسیدگی شود)---

۳- جملات ذیل صحیح است یا اشتباه؟

- الف- تعداد افراد خوب آنقدر در جهان کم است که اعمالشان هیچ تأثیری ندارد. اشتباه صحیح
- ب - هر امری که با آراء دیگران موافق باشد درست است. اشتباه صحیح
- ج - هر امری که با تعالیم الهیه مطابق باشد درست است. اشتباه صحیح

۴- آیا موارد ذیل «اعمال طاهره مقدسه» است:

- الف- تبلیغ امرالهی اشتباه صحیح
- ب - دست درازی به مال دیگران اشتباه صحیح
- ج - مراقبت و تعلیم اطفال اشتباه صحیح
- د - دعا نمودن جهت ترقی دیگران اشتباه صحیح
- ج- گفتن دروغ کوچکی جهت نجات از یک مشکل اشتباه صحیح
- و- کمک نمودن به دیگران با انتظار و توقع پاداش اشتباه صحیح

۵- آیا اعمال ذیل با اقوال یک بهائی مطابقت دارد ؟

- الف - نوشیدن مشروبات الکلی اشتباه صحیح
- ب - مهربان بودن اشتباه صحیح
- ج - با جمیع مردم به انصاف معامله نمودن اشتباه صحیح
- د - داشتن ارتباط جنسی خارج از محدوده ازدواج اشتباه صحیح

۶- آیا فرد بهائی اجازه دارد نزد دیگران اقرار به معاصی کند؟-----

۷- به جای اقرار به معاصی چه کاری باید انجام دهیم؟

۸- مفهوم « سماء عزّ أحدىّه » چیست؟

۹- اعمال بد و ناشایسته چه تأثیری بر جهان دارد؟

۱۰- اعمال بد و ناشایسته چه تأثیری بر شخص انجام دهنده دارد؟

قسمت سوّم :

در این قسمت ، مجدّداً به مطالعه آثار مبارکه می پردازیم . باید توجه داشت که گرچه می توانیم سوالات متعددی را مطرح کنیم ولی باید سعی کنیم که در این کار مبالغه ننماییم .

« صدق و راستی أساس جميع فضائل انسانی است » (۶)

۱- اساس جميع فضائل انسانی چیست؟

« اگر نفسی از آن محروم ماند از ترقی و تعالی در کلیه عوالم الهی ممنوع

گردد » (۷)

۲- بدون صدق و راستی انسان از چه چیزی ممنوع می شود؟

« قُلْ يَا قَوْمِ زَيِّنُوا لِسَانَكُمْ بِالصِّدْقِ وَ نَفُوسَكُمْ بِالْأَمَانَةِ » (۸)

بگو ای مردمان، زبانتان را به صدق و راستی و وجودتان را به امانت

بیارائید. (ترجمه)

۳- به چه چیز باید زبان خود را زینت دهیم؟

۴- به چه چیز باید وجود خود را بیارائیم؟

« كُونُوا فِي الطَّرْفِ عَفِيفًا وَ فِي الْيَدِ أَمِينًا وَ فِي اللِّسَانِ صَادِقًا وَ فِي الْقَلْبِ مُتَذَكِّرًا » (٩)

در نگاه پرهیزکار باشید ، در دست امین ، در زبان راستگو و در قلب متذکر . (ترجمه)

۵- چشم ما باید چگونه باشد؟ ----- دستمان چگونه؟ ----- زبانمان چگونه؟ -----
و قلبمان چگونه ؟ -----

« عموم اهل عالم باید از ضرر دست و زبان شما آسوده باشند » (۱۰)

۶- عموم اهل عالم باید از چه چیزی آسوده باشند ؟ -----

قسمت چهارم :

همانطور که در قسمت دوم دیدیم ، جواب برخی از سوالات باید دقیق و قاطع باشد ، چنانچه در این مورد تردید وجود داشته باشد راهنمای کلاس می تواند برای وصول به جواب قطعی مساعدت کند . اما در مورد سایر سئوالات، نفس بحث و مشورت ارزشمند است و راهنمای کلاس پاسخهای متفاوت را قبول می نماید . در سئوالات ذیل شماره ۴ با اینکه پیچیده است از گروه اول و شماره ۶ از گروه دوم محسوب است .

۱- صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است . پنج فضیلت از فضائل انسانی را ذکر کنید.

۲- آیا میتوان بدون صدق و راستی به این فضائل رسید؟ -----

۳- جملات ذیل صحیح است یا اشتباه ؟

- | | | |
|--|------|--------|
| الف - یک فرد می تواند درستکار باشد حتی اگر دروغ گوید. | صحیح | اشتباه |
| ب - شخصی که به مال دیگران دست درازی می کند دستش امین و پاک است. | صحیح | اشتباه |
| ج - دست درستکار هیچوقت به آنچه که باو تعلق ندارد دراز نمی شود. | صحیح | اشتباه |
| د - خواندن کتب و مجلات مبتذل با دستور حضرت بهاءالله در خصوص داشتن چشم عفیف مخالف است . | صحیح | اشتباه |
| ه - صدق و راستی یعنی دروغ نگفتن. | صحیح | اشتباه |

اشتباه	صحیح	و- امانت زینت وجود است.
اشتباه	صحیح	ز- شخصی که راستگو نباشد می تواند از لحاظ روحانی ترقی کند.
اشتباه	صحیح	ح- مانعی ندارد اگر هر از گاهی دروغ گوییم.
اشتباه	صحیح	ط- در صورتی که انسان گرسنه باشد ، دزدی کردن نزد حق مانعی ندارد.
اشتباه	صحیح	ی- برداشتن شیء بدون اجازه صاحب آن، با این فکر که بعداً آن را برگردانیم دزدی نمی باشد.
اشتباه	صحیح	ک- اگر دوست شما درختی پر از میوه داشته باشد چیدن بعضی از میوه های آن بدون اجازه مانعی ندارد.
اشتباه	صحیح	ل- هنگامی که با امانت و انصاف و راستی رفتار می نماییم قلبمان منور می گردد.

۴- آیا ممکن است انسان به خود دروغ گوید؟

۵- اگر دروغ بگوییم چه چیزی را از دست می دهیم؟

۶- اگر همه ما صادق و امین بودیم وضع جهان چگونه می شد؟

قسمت پنجم:

بیانات ذیل را مطالعه و سعی نمایید از بر کنید . حفظ کردن آثار دارای فواید بسیار است و باید در این مورد سعی نمود . البته برای بعضی نفوس از بر کردن آثار مشکل است . اگر شما نیز چنین مشکلی دارید، سعی کنید بیانات مبارکه را آنقدر خوب فرا بگیرید که بتوانید مفهوم آن را با کلماتی که حتی المقدور به متون اصلی نزدیک تر است توضیح دهید .

« لسان شفقت جذاب قلوب است و مائده روح و بمثابه معانی است از برای

الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانایی» (۱۱)

۱- چگونه میتوان لسان شفقت را وصف نمود؟

۲- لسان شفقت چه تاثیری بر الفاظ دارد؟

« ای احبّای الهی در این دور مقدّس نزاع و جدال ممنوع و هر متعدّی

محروم » (۱۲)

۳- بر طبق این بیان ، چه مسأله ای در این دور ممنوع است؟

۴- شخص متعدّی چه زبانی به خود می رساند ؟

« حق شاهد و گواه است که ضرّی از برای این امر الیوم اعظم از فساد و

نزاع و جدال و کدورت و برودت ما بین احباب نبوده و نیست » (۱۳)

۵- چه شرایطی شدیدترین صدمه و ضرر را بر امرالهی وارد می سازد؟

« به اظهار دوستی و محبت که فقط با الفاظ باشد قانع نشوید، قلبتان را

با محبت خالصانه نسبت به تمام افرادی که در راهتان میگذرند مشتعل

سازید » (۱۴) (ترجمه)

۶- به چه نوع دوستی نباید قانع شویم؟

۷- قلبمان باید با چه چیزی مشتعل گردد؟

«فکر جنگ را با فکر قویتر صلح مقاومت کنید . فکر نفرت را با فکر قویتر

عشق از میان بردارید » (۱۵) (ترجمه)

۸- فکر جنگ را باید با چه چیزی مقاومت نمود؟

۹- فکر نفرت را با چه باید از بین برد؟

قسمت ششم :

تمرینات ذیل را انجام دهید :

۱- چگونه لسان شفقت قلوب را جذب می کند ؟

۲- آیا جملات و عبارات ذیل از لسان شفقت صادر میشود ؟

	بله	الف - «مزاحم من مشوا!»
خیر	بله	ب- «چرا این مطلب را نمی فهمی»
خیر	بله	ج- «لطفاً کمی صبر کنید»
خیر	بله	د- «عجب بچه های بدی هستید!»
خیر	بله	ه- «خیلی ممنون و متشکرم، خیلی لطف دارید!»
خیر	بله	و- «الآن هیچ وقت ندارم، خیلی کار دارم.»

۳- آیا موقعیت های ذیل نشانه نزاع و جدال است ؟

خیر	بله	الف - دو فرد در مشورت بهائی نظر های متفاوتی بیان می کنند.
خیر	بله	ب - شخصی به جلسه بهائی نرود به علت آنکه با صاحب خانه حرف نمی زند.
خیر	بله	ج - کسانی که در موسسه آموزشی هستند، مرتب شکایت می کنند که دیگران وظایف خود را انجام نمی دهند .
خیر	بله	د- دو مبلغ بهائی نمی توانند به توافق برسند که برای سفر تبلیغی خود به کجا بروند.

۴- آیا موارد ذیل نشانه برودت و کدورت می باشد ؟

خیر	بله	الف - یکی از دوستان به موسسه آموزشی وارد می شود و هیچ کس او را با گرمی نمی پذیرد.
خیر	بله	ب - در موسسه آموزشی بهائی، شاگردان خود را به گروه های کوچک تقسیم نموده و هر گروهی به خود مشغول می شوند.
خیر	بله	ج- در موسسه آموزشی، در وقت مطالعه همه در سکوت به خواندن کتاب مشغولند .
خیر	بله	د- دو مبلغ با وجودی که با هم مجادله نمی کنند اما راضی نمی شوند که با یکدیگر به سفر تبلیغی بروند.

۵- آیا جملات ذیل صحیح است ؟

اشتباه	صحیح	الف - باید انسان کاملاً آنچه را که در باره دیگران فکر می کند بگوید حتی اگر سبب رنجش قلبشان میشود.
اشتباه	صحیح	ب- به جهت اجتناب از اختلاف اشکالی ندارد اگر انسان دروغ گوید.
اشتباه	صحیح	ج - میتوان اختلاف را با محبت و مهربانی از بین برد.
اشتباه	صحیح	د- هنگامی که کلمات با محبت ادا شود تأثیر آن بیشتر است.
اشتباه	صحیح	ه - نزاع و جدال با شخصی که شروع به جدال می نماید مانعی ندارد .
اشتباه	صحیح	و- اگر انسان مریض یا ناراحت باشد حق دارد که با دیگران تند خوئی

اشتباه	صحیح	کند.
		ز- از محبت و مهربانی به دور است که به دیگران به خاطر اشتباهشان
اشتباه	صحیح	بخندیم .
اشتباه	صحیح	ح - ذکر اشتباه دیگران صحیح است چون غیبت محسوب نمی شود.
		ط- هنگامی که بین دو دوست دلخوری پیش می آید، وظیفه هر کدام
اشتباه	صحیح	آنست که کوشش نماید به دیگری نزدیک شود.
		ی - هنگامی که ناراحتی بین دوستان ایجاد می شود، وظیفه هر طرف
اشتباه	صحیح	آنست که صبر نموده تا طرف دوم به او نزدیک شود.

قسمت هفتم :

بیانات ذیل را مطالعه و از بر نمایید .

« غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بمیراند » (۱۶)

« لَا تَنْفَسُ بِخَطَا أَحَدٍ مَا دُمْتَ خَاطِئًا » (۱۷)

تا زمانی که خود خطاکاری به خطای احدی دم مزنی . (ترجمه)

« بد مگو تا نشنوی، و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید » (۱۸)

« يَا ابْنَ الْوُجُودِ! كَيْفَا نَسَيْتَ عُيُوبَ نَفْسِكَ وَ اَشْتَعَلْتَ بِعُيُوبِ عِبَادِي؟ مَنْ

كَانَ عَلَيَّ ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ مِنِّي » (۱۹)

ای پسر وجود، چگونه عیوب خودت را از یاد برده ای و به عیوب بندگان

من مشغولی؟ آنان که چنین کنند لعنت مرا بر خود روا دارند. (ترجمه)

۱- غیبت چه اثری بر نفس غیبت کننده می گذارد؟

۲- قبل از آنکه به عیوب دیگران فکر کنیم ، باید از چه چیزی آگاه باشیم؟

۳- اگر عیب دیگران را بزرگ نماییم ، برای ما چه اتفاقی خواهد افتاد؟

۴- وقتی به عیوب دیگران فکر می کنیم چه چیز را باید بخاطر آوریم ؟

قسمت هشتم :

۱- اگر کسی به عیوب دیگران مشغول شود چه اتفاقی برای پیشرفت روح او می افتد؟

۲- غیبت چه تأثیری بر جامعه بهائی دارد؟

۳- هنگامی که دوست شما شروع به ذکر عیوب دیگران می نماید چه کار می کنید؟

۴- جملات ذیل صحیح است یا اشتباه؟

- | | | |
|--------|------|--|
| اشتباه | صحیح | الف - اگر درباره خطاهای واقعی دیگران صحبت کنیم، غیبت نکرده ایم. |
| اشتباه | صحیح | ب - اگر همزمان درباره خوبیها و همچنین عیوب شخصی صحبت کنیم ، غیبت نکرده ایم . |
| اشتباه | صحیح | ج - غیبت در جامعه تبدیل به یک رسم شده است و برای اجتناب از آن انضباط لازم است . |
| اشتباه | صحیح | د- اگر شخص شنونده قول دهد که آنچه را درباره دیگران می گوئیم تکرار نکند، غیبت کردن ضرری ندارد . |
| اشتباه | صحیح | ه- غیبت یکی از سرسختترین دشمنان اتحاد است . |
| اشتباه | صحیح | و- اگر عادت کنیم که همواره درباره دیگران صحبت کنیم، در خطر غیبت کردن می افتیم. |
| اشتباه | صحیح | ز- وقتی در یک جلسه محفل روحانی برای دادن مسئولیتهائی به افراد در باره توانائیهای آنها بحث شود ، غیبت محسوب می شود . |
| اشتباه | صحیح | ح- هنگامی که دچار وسوسه غیبت کردن می شویم ، باید در عیوب خود فکر کنیم . |
| اشتباه | صحیح | ط- اگر بدانیم که شخصی کاری می کند که ضررش به امرالهی یا جامعه بهایی می رسد باید آن را با افراد جامعه در میان بگذاریم . |
| اشتباه | صحیح | ی- اگر بدانیم که شخصی کاری می کند که ضررش به امرالهی یا جامعه می رسد باید آن را فقط به اطلاع محفل روحانی محل برسانیم. |
| اشتباه | صحیح | ک- اگر انسان با همسر خود درباره خطاهای دیگران صحبت کند اشتباه نیست ، چه که نباید مسأله ای را از یکدیگر پنهان دارند . |

بخشی را که شما تمام کرده اید دارای هدف بسیار مخصوصی است . حضرت بهاءالله به ما می آموزند که هر فرد بهایی باید قسمتهایی از آیات الهی را هر صبح و شام تلاوت نماید. در این بخش ایجاد این عادت بسیار ضروری را برای ترقی روحانی خود، آغاز کرده اید. حال شما ممکن است بخواهید مجموعه ای از آثار حضرت بهاء الله را داشته باشید تا هر روز قسمتهایی از آن را بخوانید. کلمات مکنون می تواند اولین انتخاب مناسب باشد .

مراجع

- ۱- بیان حضرت بهاء الله ، ظهور عدل الهی. ص ۵۳.
- ۲- مرجع سابق، ص ۵۴.
- ۳- کلمات مکنونه، عربی ، شماره ۳۱
- ۴- کلمات مکنونه فارسی ، شماره ۵
- ۵- مرجع سابق ، شماره ۶۹
- ۶- حضرت عبد البهاء - کتاب ظهور عدل الهی ، ص ۵۵
- ۷- حضرت عبد البهاء - مرجع سابق ، ص ۵۵
- ۸- منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاءالله ، شماره ۱۳۶. ص ۱۹۰ .
- ۹- ظهور عدل الهی . ص ۵۳.
- ۱۰- مرجع سابق. ص ۵۲.
- ۱۱- منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاءالله ، شماره ۱۳۲. ص ۱۸۵.
- ۱۲- بیان حضرت عبد البهاء - مجموعه لثالی الحکمه ص ۸۸ .
- ۱۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ، شماره ۵. ص ۱۴.
- ۱۴- خطابات حضرت عبدالبهادر پاریس (paris talks). ص ۲
- ۱۵- خطابات حضرت عبدالبهادر پاریس (paris talks). ص ۱۹
- ۱۶- منتخباتی از آثار مبارکه حضرت بهاءالله ، شماره ۱۲۵. صص ۱۷۰-۱۷۱.
- ۱۷- کلمات مکنونه عربی ، شماره ۲۷
- ۱۸- کلمات مکنونه فارسی ، شماره ۴۴
- ۱۹- کلمات مکنونه عربی ، شماره ۲۶

دعا و مناجات

هدف :

درک و فهم اهمیت دعا و مناجات روزانه و همچنین پرورش نگرشها و حالات لازمه جهت دعا و مناجات. از بر نمودن پنج مناجات و فهم معانی آن.

تمرین :

ملاقات لاقبل دوتن از دوستان و مطالعه و فراگیری یک مناجات با آنان .

قسمت اول

حضرت عبدالبهاء میفرمایند که دعا و مناجات « گفتگو با خداوند » است . گفتگو یعنی صحبت و مکالمه با فردی، لذا هنگام دعا و مناجات ما با خداوند صحبت می کنیم. اگر انسان شخصی را از صمیم قلب دوست داشته باشد، آرزوی قلبی او آن است که در محضر محبوبش باشد و با او صحبت کند . دعای ما نیز باید گفتگوی عاشقانه با خالق خود یعنی خداوند یگانه باشد. در هنگام دعا، ما که ضعیف و ناتوان هستیم می توانیم از خداوند مقتدر و توانا در نهایت تمنا و التماس طلب کمک و یاری نماییم، باید همواره در خاطر داشته باشیم که به وسیله دعا و مناجاتی که در نهایت خلوص و صفا تلاوت می شود ما به حق نزدیک می گردیم و حضور او را احساس می کنیم.

پس از مطالعه مطالب فوق ، سوالات ذیل را جواب دهید :

۱- دعا و مناجات چیست ؟

۲- بزرگترین آرزوی قلبی هر عاشق چیست ؟

۳- در این صورت گفتگوی ما با پروردگار باید به چه نحو باشد ؟

۴- معنی « تمنا » و « التماس » چیست ؟

۵- آیا هدف دعا و مناجات فقط آن است که آنچه را احتیاج داریم از حق بخواهیم ؟

۶- مهمترین آثار دعا و مناجات را ذکر نمایید .

۷- حضرت عبدالبهاء را معرفی نمایید .

قسمت دوم :

حضرت محمد می فرمایند :

« الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ بِهِ يَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ . »

دعا و نماز نردبان مومن است که بوسیله آن به آسمان بالا می رود. (ترجمه)

حضرت بهاء الله در نماز کبیر می فرمایند :

« أَسْأَلُكَ ... بِأَنْ تَجْعَلَ صَلَاتِي نَارًا لِتُحْرِقَ حُجُبَاتِي الَّتِي مَنَعْتَنِي عَنْ

مُشَاهَدَةِ جَمَالِكَ وَ نُورًا يَدُلُّنِي إِلَى بَحْرِ وَصَالِكَ » (۱)

از تو تمنا می کنم ... نمازم را به آتشی بدل کن تا پرده هایی را که مرا از

دیدار تو ممانعت می کند بسوزاند و آن را به نوری تبدیل نما که مرا به

دریای وصال تو رساند. (ترجمه)

۱- حضرت محمد را معرفی نمایید .

۲- حضرت محمد درباره دعا و نماز چه می فرمایند ؟

۳- در چه صورت دعا مانند نردبان است ؟

۴- بعضی از پرده هایی که ما را از خداوند دور می سازد ذکر کنید.

۵- آیا دعا و نماز می تواند مانند آتش باشد ؟ چه چیزی را می سوزاند ؟

۶- آیا دعا و نماز می تواند مانند نور باشد ؟ به کجا ما را هدایت می کند ؟

۷- لطفا چهار جمله درباره طبیعت دعا و مناجات و نماز بنگارید .

الف- دعا و مناجات

ب- دعا و مناجات

ج- دعا و مناجات

د- دعا و مناجات

قسمت سوم :

این بیان حضرت عبدالبهاء را مطالعه نموده در معانی آن تعمق کنید :

« الحمد لله قلبت متذکر به ذکر الهی و روح مستبشر به بشارات الله است و مشغول به مناجاتی، حالت مناجات بهترین حالات است زیرا انسان با خدا الفت می نماید علی الخصوص مناجات در خلوت در اوقات فراغت مثل نیمه شب، فی الحقیقه مناجات روح می بخشد. » (۲)

۱- پرحلاوت ترین حالات عالم وجود چیست ؟

۲- «حالت دعا» به چه معنی است ؟

۳- چند نتیجه از حالات دعا و مناجات را ذکر کنید.

قسمت چهارم :

این بیان حضرت بهاءالله را مطالعه نموده در آن تعمق کنید :

« أَنْ اقْرَأْ يَا عَبْدُ مَا وَصَلَ إِلَيْكَ مِنْ آثَارِ اللَّهِ بِرَبَّوَاتِ الْمُقْرَبِينَ لَتَسْتَجْذِبَ بِهَا نَفْسَكَ وَتَسْتَجْذِبَ مِنْ نِعْمَاتِكَ أَفِيدَةَ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ وَمَنْ يَقْرَأَ آيَاتِ اللَّهِ فِي بَيْتِهِ وَحَدَةَ لَيَنْشِرَ نَفْحَاتِهَا الْمَلَائِكَةُ النَّاشِرَاتُ إِلَى كُلِّ الْجِهَاتِ وَيَنْقَلِبَ بِهَا كُلُّ نَفْسٍ سَلِيمٍ وَلَوْ لَنْ يَسْتَشْعِرَ فِي نَفْسِهِ وَ لَكِنْ يَظْهَرُ عَلَيْهِ هَذَا الْفَضْلُ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ قُدَّرَ خَفِيَّاتِ الْأَمْرِ مِنْ لَدُنْ مُقَدَّرٍ حَكِيمٍ » (۳)

ای بنده ، آنچه از آثار الهی به تو رسید با الحان مقربان تلاوت نما تا هم خودت از آن منجذب شوی و هم دل‌های جمیع خلایق از نعمات تو منجذب گردند و کسی که در خانه اش به تنهائی آیات الهی را تلاوت نماید، ملائکه ناشرات بوی خوش این آیات را در فضاها دور منتشر می نمایند و هر نفس سلیمی از آن منقلب مس شود حتی اگر در آن زمان خود از آن آگاه نشود، اما این فضل روزی بر او ظاهر خواهد شد و اینگونه اسرار الهی از جانب خداوند دانا مقدر گشته است. (ترجمه)

۱- « اِقْرَأْ بِرَبَّوَاتِ الْمُقْرَبِينَ » (خواندن به الحان مقربان) به چه معنی است ؟

۲- چگونه باید آثار الهی را تلاوت کنیم ؟

۳- تأثیر حلاوت لحن تلاوت آیات الهی در روح ما چیست ؟

۴- حلاوت لحن تلاوت آیات الهیه در قلوب مردم چه تاثیری دارد ؟

۵- « يَقْرَأُ آيَاتِ اللَّهِ » به چه معنی است ؟

۶- « يَنْشُرُ » به چه معنی است ؟

۷- دعا و مناجات ما بردیگران، که حتی نمی دانند ما دعا می خوانیم چه تاثیری دارد ؟

قسمت پنجم :

می دانیم که خداوند ما را خلق کرده است. اوست دانا و بینا، آنچه را که می خواهیم و آنچه را که احتیاج داریم می داند. پس چرا دعا کنیم؟ خداوند احتیاجی به دعای ما ندارد، اما ترقی روح ما منوط به دعا و مناجات است چه که دعا غذای روح است. هنگامی که دعا می خوانیم تقویت روحانی می یابیم. به واسطه روابط عشق و محبتمان به عوالم الهی تأییدات و عنایات حق به ما می رسد. دعا و مناجات استعداد ما را افزایش می بخشد تا از مواهب روحانی بهره مند گردیم و سرور حقیقی را تجربه نمائیم.

راه رسیدن به حق مستقیم و باریک است. موانع بیشمار می ممکن است در این راه باشد. به وسیله تمنا و التماس خالصانه و مستمر می توانیم بر این موانع تفوق جسته و در این سبیل هدایت شویم. پس از آنکه به هدایت الهی در این راه قرار گرفتیم، دعا و مناجات ما را کمک می نماید تا بسوی حق توجه کرده پیش رویم تا دور نمای سرنوشت مخصوص خود را از دست ندهیم. بدین سبب است که باید مرتباً دعا و مناجات بخوانیم تا بوسیله عشق الهی روح ما ترقی نماید و تقویت شود و راه سعادت ابدی را با کمال استقامت بپیماییم . حضرت عبدالبهاء می فرماید :

« وقتی که انسان به نهایت تضرع و ابتهال به مناجات پردازد، قصدش بیان محبتی است که به خدا دارد نه از جهت خوف از او و یا ترس از نار جهنم و نه به امید نعیم و جنت ... وقتی که انسان مفتون حبّ دیگری گردد ممکن نیست از ذکر معشوقش سکوت اختیار کند. پس چقدر صعب است برای انسانی که مفتون محبت الله باشد از ذکر او دم فرو بندد ...

شخص روحانی از هیچ چیز مسرت نیابد مگر به ذکر الهی » (ترجمه) (۴)

« اگر دوستی به دیگری محبت دارد آرزویش اظهار آن محبت است و حال آنکه می داند دوستش از محبت او آگاه است با وجود این میل دارد احساسات خویش را بیان کند. خدا از آرزوهای قلوب خبیر و علیم است ولی عواطفی که انسان را به مناجات با حق دلالت می کند از مقتضیات طبیعت است که ناشی از محبت انسان است به حضرت یزدان » (ترجمه) (۵)

۱- چرا باید دعا کنیم ؟

۲- جملات ذیل را کامل نمایید.

الف- وقتی که انسان به نهایت ----- و ----- به مناجات پردازد، قصدش بیان ----- است که به خدا دارد، نه از جهت ----- از او و یا ----- از ----- و نه به امید----- و ----- .

ب - وقتی که انسان ----- حبّ دیگری گردد ----- از ذکر----- سکوت اختیار کند. پس چقدر ----- است برای انسانی که مفتون ----- باشد از ذکر او ----- شخص روحانی از هیچ چیز----- نیابد مگر به ----- الهی .

قسمت ششم :

قسمتهای ذیل را که از آثار حضرت بهاء الله در نماز کبیر است از بر نمایید :

« إلهی إلهی لا تنظر إلی آمالی و أعمالی بل إلی إرادتک الّتی أحاطتِ
السّمواتِ و الأرضَ . و اسمیک الاعظمِ یا مالک الاممِ ما أردتُ إلا ما أردتَهُ و لا
أحبُّ إلا ما تُحبُّ » (۶)

خدای من خدای من، نظر به آرزوها و اعمال من منما، بلکه به اراده خویش که محیط بر آسمانها و زمین است نظر فرما. قسم به اسم اعظمت، ای مالک جهانیان که جز خواسته تو را نخواسته ام و دوست نمی دارم جز آنچه که تو دوست می داری. (ترجمه)

« آي رَبِّ فَاجْعَلْ صَلَاتِي كَوْثَرَ الْحَيَوَانِ لِيَبْقَى بِهِ ذَاتِي بِدَاوَمٍ سَلْطَنَتِكَ وَ يَذْكُرَكَ فِي كُلِّ عَالَمٍ مِّنْ عَوَالِمِكَ » (۷)

ای پروردگار من، نمازم را چشمه آب حیات قرارده تا گوهر وجودم به دوام سلطنت تو باقی و برقرار ماند و تو را در جمیع عوالمت ذکر نماید. (ترجمه)

« سُبْحَانَكَ مِنْ أَنْ تَصْعَدَ إِلَى سَمَاءٍ قُرْبِكَ أَذْكَارُ الْمُقْرَبِينَ أَوْ أَنْ تَصِلَ إِلَى فِنَاءِ بَابِكَ طُيُورُ أَفئِدَةِ الْمُخْلِصِينَ . أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ مُقَدَّسًا عَنِ الصِّفَاتِ وَ مُنْزَهًا عَنِ الْأَسْمَاءِ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْإِبْهِيُّ » (۸)

پاک و منزّه و فراتر از آنی که اذکار مقربان به آسمان قربت راه یابد و یا پرنده دل‌های مخلصان به آستانه بارگاہت رسد. گواهی می دهم که تو از همه صفات مقدّس و از همه اسماء مبرائی، نیست خدائی جز تو که در اوج شکوه و جلالی. (ترجمه)

قسمت هفتم :

هنگامی که به دعا و مناجات می پردازیم باید افکارمان را متوجه بسوی حق نماییم . باید امور دنیایی و مادی و هرچه در اطراف ما می گذرد حتی خود را فراموش نماییم . حضرت بهاءالله میفرماید :

« يَا ابْنَ النُّورِ، اِنْسَ دُونِي وَ اِنْسَ بِرُوحِي ، هَذَا مِنْ جَوْهَرِ أَمْرِي فَأَقْبِلْ إِلَيْهِ » (۹)

ای زاده نور، غیر مرا فراموش کن و به من انس گیر، این جوهر امر من است به آن روی آور (ترجمه)

ما سوی الله را فراموش نمودن کار آسانی نیست. مستلزم سعی و کوشش است، و شوق و خواستن حقیقی لازم، وقتی که قلوب ما از تصورات و آرزوهای شخصی پاک و منزّه باشد، دعای ما تأثیرش شدید خواهد بود.

ای پسر ارض، گر مرا خواهی جز مرا مخواه و اگر اراده جمالم داری چشم از عالمیان بردار، زیرا که اراده من و غیر من چون آب و آتش در یک دل و قلب نگنجد. (۱۰)

لیوانی از شیر تازه و خالص را تصور کنید. از آن می توانیم مواد مختلفی ای مانند کره، پنیر و خامه تهیه کنیم. اما اگر قطره ای سم به آن اضافه نماییم، آن شیر آلوده شده و دیگر قابل استفاده نخواهد بود، چه که دیگر پاک و خالص نمی باشد. خودپسندی سمی است که انسان به زندگی خود وارد می نماید. اگر بخواهیم دعا و نماز ما تأثیر بسزایی داشته باشد باید خود را از آن مبرا سازیم. شرط بسیار مهم دیگر که برای وصول به مراتب عالیه دعا و مناجات، ایمان است. باید اطمینان کامل به فضل و عنایت حق داشته باشیم و یقین کنیم که خداوند آنچه را که به صلاح ما است برایمان مقدر می نماید. حضرت عبدالبهاء میفرماید:

«روح قوه نافذه دارد، دعا و مناجات دارای تأثیر روحانی است. لذا دعا می کنیم: «خدایا این مریض را شفا بخش»، شاید خداوند اجابت نماید، چه فردی این دعا را می خواند مطرح نیست، خداوند دعای هر بنده ای را اجابت می نماید اگر نیاز حقیقی او باشد. فضل و عنایت او بی انتهاست. دعای همه بندگان خود را اجابت می کند حتی دعای این گیاه را که بالقوه مناجات می کند «خدایا بر من باران بفرست» خداوند دعای او را اجابت می کند و گیاه رشد می کند. خداوند دعای همه را اجابت می نماید» (ترجمه) (۱۱)

۱- حالت ما درحین دعا چگونه باید باشد؟

۲- در احیان دعا و مناجات، افکار ما باید کجا متمرکز باشد؟

۳- چگونه می توانیم ما سوی الله را فراموش نماییم؟

۴- اگر دعا و مناجات را با قلبی پاک و فارغ از اوهام و آمال نفسانی تلاوت نماییم، آن دعا چه تأثیراتی خواهد داشت؟

۵- بعضی از صفات روحانیه را که می توانیم درحین دعا و مناجات از حق مسألت نماییم ذکر کنید . --

۶- توضیح دهید چرا مهم است که دعا و مناجات با ایمان همراه باشد ؟

۷- مقصود از « فضل و عنایت الهی » چیست ؟

۸- اگر درحین دعا افکار ما به امور دیگر مشغول باشد نتیجه آن چه خواهد بود ؟

قسمت هشتم :

درقسمتهای گذشته درباره طبیعت دعا و مناجات و اینکه چگونه و چرا باید دعا کنیم نمودیم. بعلاوه لازم است بدانیم که نماز و دعا یکی از احکام حضرت بهاءالله است که باید اطاعت کنیم. نه آنکه فقط روزانه نماز و دعا بخوانیم، بلکه باید لاقلاً هر صبح و شام آیات الهی را نیز تلاوت نماییم. حضرت بهاءالله می فرماید:

« أَتْلُو آيَاتِ اللَّهِ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ إِنَّ الَّذِي لَمْ يَتْلُ لَمْ يَوْفِ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ مِيثَاقِهِ وَ الَّذِي أَعْرَضَ عَنْهَا الْيَوْمَ إِنَّهُ مِمَّنْ أَعْرَضَ عَنِ اللَّهِ فِي أَزَلِّ الْأَزَالِ اتَّقُنْ اللَّهَ يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ أَجْمَعُونَ » (۱۲)

آیات خدا را در هر صبحگاه و شبانگاه تلاوت نمایید. اگر تلاوت ننمایید به عهد و میثاق با خدا وفا نکرده اید و کسانی که امروز از این آیات روی گردانند آنان در زمره کسانی هستند که از ابتدای ابتدا از خداوند روی گردان بوده اند. ای بندگان من همگی تان جمعاً به تقوی الله تمسک نمایید. (ترجمه)

مناجاتهایی را که در هر صبح و شام و اوقات دیگر تلاوت می کنیم، می توانیم از ادعیه بیشماری که از توسط حضرت باب، حضرت بهاءالله، و حضرت عبدالبهاء نازل شده است، انتخاب کنیم. اوقاتی را که برای در تلاوت دعا و مناجات صرف می کنیم و تعداد مناجات هائی که می خوانیم به عطش و احتیاجات روحانی ما بستگی دارد با این وجود حضرت بهاءالله سه نماز نیز نازل فرموده اند، حضرت ولی امرالله می فرمایند :

« سه صلات نازل شده است . صلات صغیر شامل یک آیه است که در هر بیست و چهار ساعت یکبار حین زوال باید تلاوت شود. صلات وسطی سه بار در روز تلاوت می شود، در بکور و زوال و اصیل. اما صلات کبیر مفصلترین این سه نماز است و یکبار در هر بیست و چهار ساعت در هر حین که انسان تمایل به اداء آن داشته باشد تلاوت می شود. فرد مؤمن در انتخاب یکی از این سه صلات مختار است، اما باید این فریضه را ادا کرده و شرایط و دستورات لازمه معینه مربوط به آنرا تبعیت نماید . حضرت بهاءالله برای این سه صلات و چند ادعیه مخصوص دیگر، مانند لوح شفا و لوح احمد، قوه و تأثیر و اهمیت خاصی قائل شده اند . بدین جهت باید افراد احباء آنرا همین گونه بپذیرند و بلا تردید با ایمان و اطمینان کامل تلاوت نمایند و از طریق آن به خداوند تقرّب جویند و به احکام و اوامرش آشنایی بیشتری بیابند » (۱۳)

۱- آیا یک فرد بهایی فقط هنگامی که به چیزی احتیاج داشته باشد دعا می خواند ؟

۲- چرا اوامر و احکام حضرت بهاءالله را اطاعت می کنیم ؟

۳- لاقلاً باید چند بار در روز دعا بخوانیم ؟

۴- اگر آیات الهی را هر صبح و شام تلاوت نکنیم، چه کرده ایم ؟

۵- مقصود از «روی گرداندن» چیست ؟

۶- حضرت بهاءالله چند نماز نازل فرمودند ؟

۷- آیا باید هر سه نماز را هر روز بخوانیم ؟

۸- اگر نماز کبیر را انتخاب نمودیم ، باید آنرا روزانه چند بار ادا کنیم ؟

- ۹- چنانچه نماز وسطی را انتخاب نماییم باید آنرا چندبار بخوانیم ؟
- ۱۰- چنانچه نماز صغیر را انتخاب نماییم باید آنرا چند بار بخوانیم ؟
- ۱۱- چند ادعیه را که قوه و تأثیر مخصوصی دارد ذکر کنید .
- ۱۲- نماز صغیر را بخوانید .
- ۱۳- در این نماز به چه شهادت می دهید ؟
- ۱۴- « فریضه » به چه معناست ؟

قسمت نهم :

دانستیم که حضرت بهاءالله دعا و مناجات و نماز را یکی از احکام این دور قرار داده اند. با تلاوت ادعیه و نماز به عهد و میثاق الهی وفا می کنیم. همچنین می دانیم که آن حضرت مناجاتهایی جهت تلاوت در موقعیتهای گوناگون زندگی فرموده اند و به بعضی از آنها قوت و تأثیر خاصی بخشیده اند، من جمله این سه نماز می باشد که باید به تنهایی آنرا ادا نموده و با حق راز و نیاز کنیم. ادعیه و مناجاتهای دیگر را می توان در تنهایی و یا در جمع تلاوت نمود .

باید در نظر داشت که نماز جماعت مرسوم در ادیان دیگر، در امر بهایی وجود ندارد. نماز میت تنها نمازی است که حضرت بهاءالله اجرای آنرا بطورگروهی اجازه فرموده اند. این نماز به وسیله یک نفر تلاوت می شود و سایرین سکوت را رعایت می کنند .

هنگامی که دعا می خوانیم افکار و روح خود را متوجه و متمرکز بسوی حق می نماییم. باید قبل از شروع مناجات کمی تأمل کنیم تا ذهن و فکر خود را از امور دنیوی و مادی پاک و منزّه نماییم. برای وصول به این مرحله، بعضی افراد در حالت سکون اسم اعظم را تکرار می کنند. پس از اتمام مناجات، باید در کلماتی که تلاوت کرده ایم تفکر نماییم نه آنکه فوراً به کار و فعالیت دیگری مشغول شویم. این حالت را باید چه در تنهایی و چه در جمع انجام دهیم. وقتیکه فرد دیگری نیز دعا می خواند می توانیم احساس کنیم که خود ما در حال راز و نیازیم. باید با کمال دقت به کلماتی که خوانده می شود گوش دهیم و حالت دعا و مناجات را در خود حفظ کنیم .

- ۱- وقتی که هر روز نماز و دعا می خوانیم به چه وفکرده ایم ؟
- ۲- حضرت بهاءالله چند نوع دعا نازل فرموده اند ؟
- ۳- چند نوع نماز وجود دارد ؟
- ۴- آیا می توان نماز را به جماعت خواند ؟

۵- قبل از شروع دعا چه باید کرد ؟

۶- در پایان دعا چه باید کرد ؟

۷- وقتی که در جلسه ای فرد دیگری مناجات می خواند حالت ما چگونه باید باشد ؟

۸- هنگامی که شخص دیگری در جلسه مناجات می خواند باید درباره چه چیز فکر کنیم ؟

۹- در حالیکه شخص دیگری به تلاوت مناجات می پردازد آیا درست است که ما در کتابچه مناجات نگاه کنیم و در پی انتخاب مناجات برای خواندن باشیم ؟

۱۰- درباره حالت احترامی که باید هنگام دعا و مناجات خصوصاً در جلسات رعایت کنیم، توضیحاتی بنگارید.

مراجع

- ۱- نماز کبیر از ادعیه حضرت محبوب ، ص ۶۵
- ۲- بیان حضرت عبدالبهاء از مجموعه دعا و مناجات
- ۳- منتخبات از آثار حضرت بهاء الله ، شماره ۱۳۶ ص ۱۸۹
- ۴- کتاب بهاءالله و عصر جدید ص ۱۰۷
- ۵- نقل از کتاب بهاءالله و عصر جدید ص ۱۰۷
- ۶- نماز کبیر ، ادعیه حضرت محبوب ص ۶۷
- ۷- همان مرجع ، ص ۶۷
- ۸- همان مرجع ، ص ۷۱
- ۹- کلمات مکنونه عربی ، شماره ۱۶
- ۱۰- کلمات مکنونه فارسی شماره ۳۱
- ۱۱- ترجمه از مکاتیب حضرت عبدالبهاء
- ۱۲- کتاب مستطاب اقدس ، آیه ۱۴۹ صص ۱۴۱-۱۴۲
- ۱۳- ترجمه بیان حضرت ولی امرالله

حیات وممات

هدف :

فهم این مطلب که زندگی فقط تغییرات و فرصتهای موجود در این جهان نیست بلکه معنی و اهمیت حقیقی آن در ترقی روح است و زندگی حقیقی حیات روح است، که به مدت کوتاهی در این جهان بوده و تا ابد ادامه می یابد.

قسمت اول :

منشاء روح عوالم روحانیه الهیه است و از ماده و عالم جسمانی منزّه و متعالی می باشد. بدایت انسان هنگامی است که روح از آن عوالم روحانی، به جنین در حین پیدایش در رحم مادر تعلق پیدا می کند. اما این تعلق مادی نیست، روح در جسم انسانی حلول و خروج نمی کند و حتی احتیاج به جا و فضای مادی ندارد . روح به عالم مادی تعلق ندارد و تعلق آن به جسم مانند رابطه نور منعکس در آئینه می باشد. نوری که در آئینه می بینیم از خود آئینه نبوده بلکه از مصدري خارجی می باشد . به همین نحو روح در داخل بدن نیست، رابطه مخصوصی بین روح و بدن می باشد و این دو بایکدیگر وجود انسانی را تشکیل می دهند .

۱- باتوجه به عبارات بالا ، جملات ذیل صحیح است یا اشتباه ؟

صحیح اشتباه

الف – منشأ روح عوالم روحانیه الهیه است.

- ب - بدایت وجود انسان هنگامی است که روح به جنین تعلق پیدا کند. صحیح اشتباه
- ج - روح به عالم مادی تعلق دارد . صحیح اشتباه
- د - روح داخل بدن است . صحیح اشتباه
- ه - وجود انسانی شامل روح و جسم است . صحیح اشتباه
- و - روح از ماده و عالم جسمانی منزه و متعالی می باشد . صحیح اشتباه
- ز - رابطه روح و جسم مانند رابطه نور و آئینه است . صحیح اشتباه

۲- آیا پاراگراف بالا به این دلالت می کند که :

- الف - زندگی حقیقی وقتی شروع میشود که انسان در این جهان متولی می شود. صحیح اشتباه
- ب - وجود مادی و جسمانی در عوالم الهیه دیگر نیز ادامه دارد . صحیح اشتباه
- ج - جسم مالک روح است . صحیح اشتباه
- د - زندگی عبارت از اموری است که روزانه بر مامی گذرد . صحیح اشتباه

۳- سوالات :

- الف - منشاء روح کجاست ؟ -----
- ب - بدایت زندگی یک فرد در چه زمانی است ؟ -----
- ج - وجود انسانی متشکل از چیست ؟ -----
- د - روح متعلق به چه عوالمی است ؟ -----

قسمت دوم :

رابطه بسیار مخصوصی بین روح و جسم موجود است ، که با یکدیگر وجود انسانی را تشکیل می دهد . این رابطه فقط در این زندگی فانی ادامه دارد و هنگامی که این زندگی فانی به انتها می رسد هر کدام به منشأ و اصل خود باز می گردند، جسم به عالم خاکی و روح به عوالم روحانیه الهیه . روح که از عوالم روحانیه سرچشمه گرفته، بصورت و مثال الهی خلق شده است و قابلیت کسب صفات ملکوتی و فضائل رحمانی را دارا می باشد، و پس از جدایی بدن تا ابد ترقی می کند .

۱- سوالات :

- الف - تا چه زمان رابطه بین روح و جسم ادامه دارد ؟ -----

- ب- جسم پس از مرگ به کجا برمی گردد ؟
 ج- روح پس از مرگ به کجا راجع می شود ؟
 د- ترقی روح چقدر ادامه می یابد ؟
 ه - کدام مهمتر است ، روح یا جسم ؟
 و- روح از کجا آمده است ؟
 ز - کدام قسمت از انسان بصورت و مثال الهی خلق شده است ؟

ح- پس از مرگ چگونه زندگی ما تغییر می کند ؟

- ط - زندگی کی به انتها می رسد ؟
 ی - پس از مرگ رابطه بین روح و جسم چه می شود ؟

۲- براساس پاراگراف قبل کدام صحیح یا اشتباه است ؟

- الف - مرگ مجازات و تنبیه است .
 ب- جسم مابصورت و مثال الهی خلق شده است .
 ج - رابطه بین جسم و روح فقط در این زندگی فانی برقرار است .
 د- جسم قابلیت کسب صفات ملکوتی را دارد .
 ه - روح تا ابد ترقی می کند .
 و - مرگ انتهای زندگی است .
 ز- پس از مرگ اجساد ما قیام خواهند نمود .
 ح - روح ما پس از مرگ آزادی بیشتری از آنچه که در این عالم داشته خواهد یافت .
 ط - زندگی با مرگ منتهی می شود .
 ی - باید از مرگ بترسیم .

- اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح

قسمت سوم :

حضرت بهاءالله می فرمایند :

« وَ أَمَا مَا سَأَلْتَ عَنِ الرُّوحِ وَ بَقَائِهِ بَعْدَ صُعُودِهِ فَأَعْلَمُ أَنَّهُ يَصْعَدُ حِينَ ارْتِقَائِهِ
 إِلَى أَنْ يَحْضُرَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فِي هَيْكَلٍ لَا تُغَيِّرُهُ الْقُرُونُ وَ الْأَعْصَارُ وَ لَا حَوَادِثُ
 الْعَالَمِ وَ مَا يَظْهَرُ فِيهِ وَ يَكُونُ بَاقِيًا بِدَاوِمٍ مَلَكُوتِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ جَبْرُوتِهِ وَ
 اقْتِدَارِهِ وَ مِنْهُ تَظْهَرُ آثَارُ اللَّهِ وَ صِفَاتُهُ وَ عِنَايَةُ اللَّهِ وَ الطَّافَةُ » (۱)

از روح و بقای آن بعد از صعودش سؤال نمودی، بدان که روح بعد از جدائیش از بدن، به ترقی خود ادامه خواهد داد تا اینکه در محضر خداوند حاضر می شود با هیكلی که قرون و اعصار و حوادث عالم و آنچه در آن است در او تغییری نمی دهد و تا زمانی که ملکوت الهی و سلطنت و غلبه و اقتدار خداوند استمرار می یابد روح باقی می ماند و از او آثار و صفات ربانی و عنایات و الطاف خداوندی ظاهر می شود. (ترجمه)

۱- سوالات :

- الف - جدایی روح از بدن چه نام دارد ؟
 ب - روح تا کی به ترقی خود ادامه می دهد ؟
 ج - در عالم بعد چه آثار و صفاتی از روح ظاهر خواهد شد ؟
 د - روح در عالم بعد چه چیزی را ظاهر خواهد کرد ؟
 ه - آیا روح پس از مرگ به زندگی خود ادامه می دهد ؟

۲- به موجب بیانات حضرت بهاءالله :

- الف- روح به محضر حق واصل می شود .
 ب- وضعیت روح تحت تاثیر تغییرات این عالم است حتی پس از مرگ .
 ج- ملکوت الهی ابدی است .
 د - روح استعداد آنرا دارد که صفات الهی عشق، محبت و بخشش را ظاهر سازد.
 ه - مقام روح پس از صعود از مرتبه او در این عالم بالاتر است .
- اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح
 اشتباه صحیح

قسمت چهارم :

حضرت بهاءالله میفرمایند :

« اذن واعیه طاهره مقدسه در جمیع احیان از کل اشطار کلمه مبارکه انا لله و انا الیه راجعون اصغاء می نماید . اسرار موت و رجوع مستور بوده وهست لعمرالله اگر ظاهر شود بعضی از خوف و حزن هلاک شوند و بعضی به شانی مسرور گردند که در هر آنی از حق جل جلاله موت را طلب نمایند .

موت از برای موقنین بمثابه کاس حیوان است فرح بخشد و سرور آرد و
زندگانی پاینده عطا فرماید ...

مخصوص ، نفوسیکه به ثمره خلقت که عرفان حق جل جلاله است
فائز شده اند این مقام را بیانی دیگر و ذکری دیگر است . العلم عند الله رب
العالمین» (۲)

جملات ذیل صحیح است یا نه ؟

- | | | |
|--------|------|--|
| اشتباه | صحیح | الف- منشاء روح انسان از حق است و به او راجع می شود . |
| اشتباه | صحیح | ب - مرگ جسمانی انسان یک راز است . |
| اشتباه | صحیح | ج- اگر اسرار مرگ ظاهر می شد، همگی دچار وحشت می شدند . |
| اشتباه | صحیح | د - اگر اسرار موت ظاهر می شد، همه آرزوی مرگ می کردند . |
| اشتباه | صحیح | ه - برای مؤمن حقیقی ، مرگ زندگی است . |
| اشتباه | صحیح | و - علم زندگی پس از مرگ نزد خداوند است . |
| اشتباه | صحیح | ز- مرگ سبب سرور است . |
| اشتباه | صحیح | ح - اسرار موت کشف شده است وهمه برآن اطلاع یافته اند. |
| اشتباه | صحیح | ط- برای ما مهم است که درباره زندگی بعد از مرگ بدانیم . |

۲ - جملات ذیل را کامل نمایید .

الف - اسرار موت و رجوع ----- بوده و هست.

ب - اگر ظاهر شود بعضی از -----

ج- افرادی که در عهد و میثاق الهی ثابت نیستند احساس ----- می نمایند .

د- افرادی که در عهد و میثاق الهی ثابتند چنان ----- که در هر آن ----- را طلب نمایند .

قسمت پنجم :

حضرت بهاءالله می فرمایند :

«مقصود از آفرینش، عرفان حق و لقای او بوده و خواهد بود . چنانچه
در جمیع کتب الهیه و صحف متقنه ربانیه من غیر حجاب این مطلب احلی
و مقصد اعلی مذکور و واضح است و هر نفسی که به آن صبح هدایت و

فجر احدیت فائز شد به مقام قرب و وصل که اصل جنّت و اعلی الجنان است فائز گردید و به مقام قاب قوسین که ورای سدره منتهی است وارد شد والا در امکانه بعد که اصل نار و حقیقت نفی است ساکن بوده و خواهد بود اگرچه در ظاهر بر اکراس رفیعه و اعراش منیعه جالس باشد» (۳)

۱- سوالات :

- الف - مقصود حق از آفرینش انسان چیست ؟

ب - آیا این هدف بر حسب زمان تغییر می کند؟

ج - چه کتبی بر این هدف تأکید نموده اند ؟

د - صبح هدایت کیست ؟

ه - اگر بعرفان «صبح هدایت» فائز شویم به چه کسی تقرّب می یابیم ؟

و - جنّت حقیقی چیست ؟

ز - اگر بعرفان «صبح هدایت» فائز نشویم در انتظار چه چیزی باید باشیم ؟

ح - اصل نار و حقیقت نفی اشاره به چه حالتی است ؟

قسمت ششم :

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

« در بدایت حیاتش انسان درعالم رحم بود و درعالم رحم استعداد و لیاقت ترقّی به این علام حاصل کرد. و قوایی که در این عالم لازم بود

در آن عالم تحصیل نمود. چشم لازم داشت در این عالم، در عالم رحم حاصل نمود. گوش لازم داشت در این عالم، در عالم رحم پیدا کرد. جمیع قوایی که در این عالم لازم بود در عالم رحم تحصیل کرد. در عالم رحم مهیای این عالم شد، و به این عالم که آمد دید که جمیع قوای لازمه مهیای است، جمیع اعضاء و اجزایی که از برای این عالم حیات لازم دارد در آن عالم حاصل نموده .

پس در این عالم نیز باید تهیّه و تدارک عالم بعد را دید، و آنچه در عالم ملکوت محتاج، باید تهیّه و تدارک آن در اینجا ببیند . همچنان که در عالم رحم قوایی که در این عالم محتاج به آن است پیدا نمود، همچنین لازم است که آنچه که در عالم ملکوت لازم یعنی جمیع قوای ملکوتی را در این عالم تحصیل بکند « (۴)

۱- جملات ذیل صحیح است یا اشتباه ؟

- | | | |
|--|------|--------|
| الف- ما استعداد و مواهب لازمه در این عالم را در عالم رحم کسب نموده ایم . | صحیح | اشتباه |
| ب - شرایط حیات ما در عالم رحم محدود نبوده است . | صحیح | اشتباه |
| ج- جمیع قوا و تواناییهای لازم برای حیات ما در این عالم ، در عالم رحم به ما اعطاء شده است . | صحیح | اشتباه |
| د - لازم نیست که انسان خود را برای عالم بعد آماده نماید . | صحیح | اشتباه |
| ه- آنچه برای عالم ملکوت لازم است در آن عالم میتوان کسب نمود . | صحیح | اشتباه |
| و- هدف از این عالم کسب قوای لازمه برای عالم بعد است . | صحیح | اشتباه |
| ز- زندگی حقیقی انسان، پس از مرگ و دخول او در ملکوت الهی شروع می شود. | صحیح | اشتباه |
| ح - زندگی حقیقی ، حیات روح است. | صحیح | اشتباه |
| ط - زندگی حقیقی در این جهان شروع می شود و پس از مرگ ادامه می یابد . | صحیح | اشتباه |

۲-سوالات :

الف - انسان زندگی خود را چگونه شروع می نماید ؟

ب- انسان استعدادها و مواهب خود را در کجا کسب می نماید؟

ج- برخی از آنچه انسان در این عالم احتیاج دارد و در عالم رحم کسب نموده است کدام است؟

د- قوای لازمه برای عالم بعد که باید در این عالم کسب نموده چیست؟

قسمت هفتم :

حضرت بهاء الله می فرمایند :

« اصل، الیوم اخذ از بحر فیوضات است دیگر نباید نظر به کوچک و بزرگی
ظروف باشد، یکی کفی اخذ نموده و دیگری کاسی و همچنین دیگری
کوبی و دیگری قدری " (۵)

۱- تمرینات :

الف- چند موهبت از مواهبی را که حق شامل حال شما نموده ذکر کنید.

ب- با ذکر چند مثال توضیح دهید چگونه انسان خود را از دریافت سهمش از بخشش خداوند محروم می سازد .

ج- چرا نباید به کوچکی و بزرگی ظرفمان نظر کنیم؟

جملات ذیل صحیح است یا اشتباه؟

اشتباه	صحیح	الف - فقط فلاسفه بزرگ استعداد شناخت خداوند را دارند .
اشتباه	صحیح	ب - برای خدمت به حق ، باید ضعف خود را فراموش نموده به او توکل کنیم .
اشتباه	صحیح	ج - اگر در این عالم آنچه را که خداوند به ما عطا فرموده پرورش و ترقی ندهیم ، روح ما حین ورود به عالم بعد ضعیف خواهد بود.

قسمت هشتم :

حضرت بهاء الله می فرمایند :

« اینکه از حقیقت نفس سوال نمودید ، اِنَّهَا آيَةٌ اِلٰهِيَّةٌ وَ جَوْهَرَةٌ مَلَكُوتِيَّةٌ
الَّتِي عَجَزَ كُلُّ ذِي عِلْمٍ عَنِ عِرْفَانِ حَقِيقَتِهَا وَ كُلُّ ذِي عِرْفَانٍ عَنِ مَعْرِفَتِهَا .
اِنَّهَا اَوَّلُ شَيْءٍ حَكِي عَنِ اللّٰهِ مُوجِدِهِ وَ اَقْبَلَ اِلَيْهِ وَ تَمَسَّكَ بِهِ وَ سَجَدَ لَهُ .
در این صورت به حق منسوب وبه او راجع ومن غیر آن به هوی منسوب
وبه او راجع » (۶)

روح، نشانی الهی و جوهری ملکوتی است. هیچ عالمی به گنه حقیقتش
راه نیافته و هیچ عارفی به معرفت او نرسیده . اولین موجودی است که از
خالقش حکایت نموده و بسوی او روی آورده و به او تمسک نموده و بر او
سجده کرده است. (ترجمه)

۱- جملات ذیل را کامل نمایید :

الف - نفس (روح) ----- الهی است.

ب- ----- جوهری ملکوتی است.

ج- ----- اولین پدیده ای است که حکایت از عظمت خالق خود نموده است.

د- نفس (روح) به حق راجع می شود اگر -----

ه - نفس (روح) اسیر هوی و هوس می شود اگر -----

و- اگر نفس (روح) اسیر هوی و هوس شد ، به ----- راجع می شود.

ز- نفس (روح) نور الهی را منعکس می کند اگر -----

۲- جملات ذیل صحیح است یا خیر ؟

الف - «عرفان» یعنی شناختن و درک نمودن . اشتباه صحیح

ب - اولین چیزی که از بین تمام مخلوقات به عرفان خداوند رسید

عقل است . اشتباه صحیح

ج- عارف یعنی کسی که خوب می شناسد و درک می کند . اشتباه صحیح

د- شخص عالم به اسرار روح آگاه و مطلع است . اشتباه صحیح

ه- تفکر در باره نفس (روح) لازم نیست چه هرگز نمی توانیم به آن

پی بریم . اشتباه صحیح

قسمت نهم :

حضرت بهاءالله می فرمایند :

« مَثَل شما مثل طیری است که به اجنحة منیعه در کمال روح و ریحان در هواهای خوش سبحان با نهایت اطمینان طیران نماید و بعد به گمان دانه به آب و گل ارض میل نماید و به حرص تمام خود را به آب و تراب بیالاید و بعد که اراده صعود نماید خود را عاجز و مقهور مشاهده نماید چه که اجنحة آلوده به آب و گل قادر بر طیران نبوده و نخواهد بود. در این وقت آن طایر سماء عالیه خود را ساکن ارض فانیه بیند. حال ای عباد پره‌ای خود رابه طین غفلت و ظنون و تراب غل و بغضا میالایید تا از طیران در آسمانهای قدس عرفان محروم و ممنوع نمایید » (۷)

۱- جملات ذیل را کامل نمایید :

- الف- طیری که حضرت بهاءالله در این بیان مبارک به آن اشاره فرموده اند ----- انسان است .
 ب- این طیر از ساکنین ----- است.
 ج- حال این طیر مجبور است که در----- ساکن شود.

۲- تمرینات :

الف- اجنحة روح چگونه « آلوده » می گردد ؟ -----

ب- برخی از آلودگیها را که مانند « آب و گل ارض » هستند، توصیف کنید. -----

ج- چه چیزی می تواند مانع از طیران مجدد ما در آسمان معرفت الهی شود. -----

د- مثالهایی بیاورید از چیزهایی که می تواند مانع از طیران ما در آسمان معرفت الهی شود. -----

ه - چرا روح مسکن آسمانی خود را از برای آب و گل این جهان عوض می نماید. -----

قسمت دهم :

حضرت بهاءالله می فرمایند :

« و بعد از خلق کل ممکنات و ایجاد موجودات به تجلی اسم یامختار انسان را از بین امم و خلایق برای معرفت و محبت خود که علت غائی و سبب خلقت کائنات بود اختیار نمود... زیرا کینونت و حقیقت هر شی را به اسمی از اسماء تجلی نمود و به صفتی از صفات اشراق فرمود مگر انسان را که مظهر کل اسماء و صفات و مرآت کینونت خود قرار فرمود و به این فضل عظیم و مرحمت قدیم خود اختصاص نمود» (۸)

۱- تمرینات :

الف- خداوند به انسان چه امتیاز خاصی عطا نموده .
ب - بعضی از صفات حق را ذکر نمایید .

ج- خداوند کینونت و حقیقت هرشی را به یکی از----- خود تجلی نمود .
د- خداوند انسان را مظهر----- و مرآت ----- خود قرار فرموده.
ه - بعضی از صفات حق که درروح انسان تجلی نموده را ذکر کنید .

و- چگونه می توان این صفات را ظاهر نمود .

ز- انسان به چه فضل عظیمی اختصاص یافته است .

۲- برحسب دونص سابق جملات ذیل صحیح است یاخیر ؟

اشتباه	صحیح	الف- تعلقات مادی مانع از ترقی روحانی ما می گردد .
اشتباه	صحیح	ب - آمال و آرزوهای ما مانع از پرواز ما به ملکوت الهی نمی باشد .
اشتباه	صحیح	ج- با انقطاع از امور دنیوی می توانیم از آلودگیهایی که مانع از تقرّب ما به حق می گردد رهایی یابیم .
اشتباه	صحیح	د- محل و مسکن روح تراب است.
اشتباه	صحیح	ه - حسادت، نفرت و بدخواهی آلودگیهای مانع از ترقی روح نیستند.
اشتباه	صحیح	و - هیچ چیزی نمی تواند مانع اراده الهی باشد.
اشتباه	صحیح	ز- انسان با بقیه مخلوقات یکسان است.
اشتباه	صحیح	ح -«عرفان حق» علت غایی و سبب خلقت مخلوقات است.

قسمت یازدهم :

حضرت بهاءالله می فرمایند :

« این تجلیات انوار صبح هدایت و اشراقات انوار شمس عنایت در حقیقت انسان مستور و محجوب است چنانچه شعله و اشعه و انوار در حقیقت شمع و سراج مستور است و تابش درخشش آفتاب جهانتاب در مرایا و مجالی که از زنگ و غبار شئون بشری تیره و مظلم گشته مخفی و محجور است. حال این شمع و سراج را افروزنده باید و این مرایا و مجالی را صیقل دهنده شاید. و واضح است که تا ناری مشتعل ظاهر نشود هرگز سراج نیفرزد و تا آینه از زنگ و غبار ممتاز نگردد صورت و مثال و تجلی و اشراق شمس بی اُمس در او منطبع نشود » (۹)

۱- سوالات :

الف- مقصود از کلمه مستور چیست ؟

ب- چه استعدادهایی در روح انسانی مستور است ؟

ج- چه قوه ای در چراغ نهفته است ؟

د - چه قوه ای در آینه نهفته است ؟

ه- چه باید کرد تا یک سراج روشنایی بدهد ؟

و- چه باید تا یک آئینه نور را منعکس سازد ؟

ز- آیا سراج و آئینه می توانند قوای مکنونه شان را از خود ظاهر نمایند ؟

ح - چگونه می توان این دو مثال (آئینه و سراج) را با حالت روح انسانی مقایسه نمود ؟

ط - چه کسی می تواند قوای انسانی را ظاهر سازد ؟

قسمت دوازدهم :

حضرت بهاءالله میفرمایند :

« سبیل کل، به ذات قدم مسدود بوده و طریق کل مقطوع خواهد بود و محض فضل و عنایت شמוש مشرقه از افق احدیه را بین ناس ظاهر فرموده و عرفان این انفس مقدسه را عرفان خود قرار فرموده، مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ سَمِعَ كَلِمَاتِهِمْ فَقَدْ سَمِعَ كَلِمَاتِ اللَّهِ وَ مَنْ أَقْرَبَهُمْ فَقَدْ أَقْرَبَ بِاللَّهِ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُمْ فَقَدْ أَعْرَضَ عَنِ اللَّهِ وَ مَنْ كَفَرَ بِهِمْ فَقَدْ كَفَرَ بِاللَّهِ وَ هُمْ صِرَاطُ اللَّهِ بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مِيزَانُ اللَّهِ فِي مَلَكُوتِ الْأَمْرِ وَ الْخَلْقِ وَ هُمْ ظُهُورُ اللَّهِ وَ حُجَجُهُ بَيْنَ عِبَادِهِ وَ دَلَائِلُهُ بَيْنَ بَرِيَّتِهِ » (۱۰)

هر کس آنان را شناخت خدا را شناخته است و هر کس کلمات آنان را شنید کلمات خدا را شنیده، کسی که به مقام آنان اعتراف نمود به مقام خداوند اعتراف نموده و کسی که از آنان دوری کرد از خدا دوری کرده . کسی که به آنان کفر ورزید به خداوند کفر ورزیده. ایشانند راه خدا بین آسمانها و زمین و میزان پروردگار در ملکوت امر و خلق، ایشانند ظهور خدا و دلایل و براهین او بین خلقش. (ترجمه)

۱- تمرینات :

الف - می دانیم که فقط خداوند است که استعدادهای روح انسان را ظاهر می سازد. آیا ممکن است که انسان حق را مستقیماً بشناسد.

ب - پس چگونه می توانیم خدا را بشناسیم ؟

ج- بعضی از «شموس مشرقه» را نام ببرید ؟

د - عرفان چه نفوسی مانند عرفان خداوند است؟
ه - کسانی که کلمات مظاهر الهیه را استماع نموده اند فی الحقیقه به کلمات چه کسی گوش فرا داده اند؟

و- اگر از مظاهر الهیه اعراض نماییم از چه کسی اعراض کرده ایم؟

۲- جملات ذیل را کامل کنید :

الف - سبیل کل، به ذات قدم ----- بوده و طریق کل ----- خواهد بود .

ب- طریق کل به ذات قدم ----- خواهد بود .

ج- محض ----- و ----- خداوند مظاهر مقدّسه را فرستاده است .

د- عرفان مظاهر مقدّسه همانند -----

ه- کسی که مظاهر مقدّسه را بشناسد -----

و- کسی که کلمات مظاهر مقدّسه را بشنود -----

ز- مظاهر مقدّسه طریق الهی بین -----

قسمت سیزدهم :

حضرت بهاءالله می فرمایند :

«انسان طلسم اعظم است و لکن عدم تربیت او را از آنچه با اوست محروم نموده به یک کلمه خلق فرمود و به کلمه آخری به مقام تعلیم هدایت نمود و به کلمه دیگر مراتب و مقاماتش را حفظ فرمود. حضرت موجود می فرماید: « انسان را بمتابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما به تربیت جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منقطع گردد . اگر نفسی در کتب منزله از سماء احدیه به دیده بصیرت مشاهده نماید و تفکر کند، ادراک می نماید که مقصود آن است جمیع نفوس نفس واحده مشاهده شوند تا در جمیع قلوب نقش خاتم الملک لله منطبع شود و شمس عنایت و اشراقات انجم فضل و رحمت جمیع را احاطه نماید» (۱۱)

۱- سوالات :

الف- « طلسم» یعنی چه ؟

ب- عدم تربیت چه تاثیری بر انسان گذارده است ؟

ج- نتیجه تربیت مناسب چیست ؟

د- منبع و مرجع تعلیم برای انسان کدام است ؟

ه- مقصد و سرنوشت انسان چیست ؟

و- بعضی از جواهری را که با تربیت درانسان ظاهر می شود نام ببرید .

ز- هدف شریعت الهی چیست ؟

ح- چه کلماتی در قلوب انسانها منطبع (مهر) می شود ؟

۲- جملات ذیل صحیح است یا اشتباه ؟

- الف- انسان به سعی و کوشش خود وجود روحانی می گردد .
ب- خداوند به انسان عقل عنایت فرموده و آن برای ترقیش کافی است .
ج- ترقی روحانی انسان از طریق به عرفان مظاهر مقدسه الهیه است و
احتیاجی به سعی و کوشش بیشتری ندارد .
د- ترقی روحانی انسان منوط به عرفان مظاهر مقدسه الهیه است و پس
ازوصول به آن باید سعی کرد تا برحسب تعالیم مبارکه شان زندگی نمود.
ه- انسان می تواند مستقیماً خداوند را بشناسد .
و- انسان می تواند مانند خداوند بشود .
ز- خداوند متعالی و منزّه است از ادراک بشر .
ح- هنگامی که کلمات مظاهر الهیه را می شنویم مانند آنست که کلام
الهی را استماع نموده ایم .
ط- فقط بواسطه مظاهر الهیه انسان می تواند صفات حق را منعکس سازد.

قسمت چهاردهم :

حضرت بهاءالله می فرمایند :

« طُوبَى لِرُوحٍ خَرَجَ مِنَ الْبَدَنِ مُقَدَّسًا عَنِ شُبُهَاتِ الْاِمَمِّ اِنَّهُ يَتَحَرَّكُ فِي هَوَاءِ
اِرَادَةِ رَبِّهِ وَ يَدْخُلُ فِي الْجَنَّةِ الْعُلْيَا وَ تَطْوُفُهُ طَلَعَاتُ الْفِرْدَوْسِ الْاَعْلَى وَ
يُعَاشِرُ اَنْبِيَاءَ اللّٰهِ وَ اَوْلِيَائِهِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَهُمْ وَ يَقْصُّ عَلَيْهِمْ مَا وُرِدَ عَلَيْهِ فِي
سَبِيلِ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ » (۱۲)

خوشا بحال کسی که روحش در حالی از بدن خارج می گردد که از قیود و
اوهام پاک باشد، چنین شخصی در سبیل عشق به خواسته پروردگارش
حرکت می کند و در بهشت برین وارد می گردد . طلعات قدسی در بهشت

حول او طواف می کنند. او همنشین انبیاء و اولیاست، با آنان سخن می گوید و از آنچه در راه خدا بر او وارد شده برای آنان حکایت می نماید. (ترجمه)

«وَأَمَّا أَرْوَاحُ كُفَّارٍ لَعَمْرِي حِينَ الْاِحْتِضَارِ يَعْرِفُونَ مَفَاتٍ عَنْهُمْ وَ يَنْوَحُونَ وَ يَتَضَرَّعُونَ وَ كَذَلِكَ بَعْدَ خُرُوجِ أَرْوَاحِهِمْ مِنْ أَبْدَانِهِمْ» (۱۳)

اما ارواح کافران در حین احتضار و همچنین پس از خروج از بدنشان متوجه قصور خود می شوند و ناله و زاری می کنند. (ترجمه)

«و بر عاصیان قلم عفو درکشد و به حقارت ننگرد زیرا حسن خاتمه مجهول است. ای بسا عاصی که در حین موت به جوهر ایمان موفق شود و خمر بقا چشد و به ملاء اعلی شتابد. و بسا مطیع و مؤمن که در وقت ارتقای روح تقلیب شود و به اسفل درکات نیران مقرر یابد» (۱۴)

۱- سوالات :

الف- هنگامی که روح ما از بدن جدا می شود باید در چه حالتی باشد ؟

ب - بعضی از شبهات را ذکر کنید .

ج- ارواحی که از شبهات امم پاک و منزهد به کجا وارد می شوند؟

د- این ارواح مقدسه با که معاشر خواهند بود ؟

ه- آیا این ارواح می توانند با انبیاء الهی صحبت کنند؟

و- آیا این مقام عظیمی است ؟ آیا می خواهید به آن فائز شوید ؟

ز- کافران چه افرادی هستند ؟

ح- در حین احتضار (آخرین نفسها) ارواح غیرمؤمن به چه چیز آگاه می شوند ؟

ط- وقتی که به وضع و حال خود مطلع شدند چه می کنند؟

ی- آیا از عاقبت حیاتمان که چگونه و کی به انتهای می رسد اطلاع داریم ؟
ک- بمنظور تضمین حیات ابدی خود چه اقداماتی را می توانیم انجام دهیم ؟

ل- با رسیدن به حیات ابدی به چه صفات و فضائل روحانی فائز خواهیم شد ؟

قسمت پانزدهم :

«اسراری که انسان در این عالم خاکی از آن غافل است در عالم ملکوت کشف خواهد نمود و در آنجا از اسرار حقیقت آگاه خواهد شد و تعداد بیشتری از نفوسی که با آنان در این عالم معاشر بوده را بهتر می شناسد و وجود آنها را درک می کند. بدون شک نفوس مقدسه ای که دارای چشم پاک و بصیرت روشن می باشند در ملکوت ابهی بر جمیع اسرار مطلع خواهند شد و شاهد حقیقت جمیع نفوس عظیمه خواهند بود. و همچنین آن نفوس مقدسه ناظر ظهور جمال الهی در آن عالم خواهند بود و نیز جمیع یاران الهی چه از زمان قبل و چه در حال را در محفل ملکوت حاضر خواهند یافت» (۱۵) (ترجمه)

«فرق و تمیز ما بین نفوس را بالطبع می توان بعد از مفارقت از این عالم فانی درک نمود. ولکن این تمیز در رابطه با مکان نیست، بلکه در رابطه با روح و احساسات است چون ملکوت الهی مقدس از زمان و مکان است حال دیگری است و جهانی دیگر ولکن موهبت شفاعت به نفوس مقدسه وعده داده شده است و مطمئن باشید که در عالم الهی احبای الهی که عشاق روحانی یکدیگرند همدیگر را خواهند شناخت و طالب مؤانست با یکدیگر خواهند بود ولکن مؤانست روحانی. همچنین عشقی که هر نفسی به دیگری دارد هیچ وقت در عالم ملکوت فراموش نخواهد شد و همچنین شما در آنجا زندگی خود را در عالم جسمانی فراموش نخواهید نمود» (۱۶) (ترجمه)

۱- سوالات

الف- چه اسراری را انسان درعالم ملکوت کشف خواهد نمود؟

ب- آیا افرادی را که دراین عالم می شناسیم در آن عالم تشخیص خواهیم داد؟

ج- چه ارواحی به جمیع اسرار مطلع خواهند گردید ؟

د- آیا فرق و تمیزی ما بین ارواح خواهد بود ؟

ه- عالم ملکوت مقدس از چه اموری است ؟

و- از روابط عشق و محبت اشخاصی که موجب اتحاد آنان در این عالم است چه باقی خواهد ماند ؟

۲- جملات ذیل صحیح است یا خیر؟

- الف- نفوس (ارواح) یکدیگر را درعوالم ملکوت نخواهند شناخت. صحیح اشتباه
- ب- ارواح مقدسه از فیض حضور جمیع ارواح عظیمه بهره خواهند برد. صحیح اشتباه
- ج- محفل ملکوت شامل نفوس (ارواح) مقدسه دوران گذشته نیز خواهد بود. صحیح اشتباه
- د- بعد از مفارقت از این عالم فرق و تمیزی بین ارواح ظاهر نخواهد گردید. صحیح اشتباه
- ه- درعوالم الهی مکان و زمان وجود ندارد. صحیح اشتباه
- و- عالم بعد مربوط به کهکشان دیگر است. صحیح اشتباه
- ز- درعالم دیگر محبت و عشقی را که به دیگران داریم فراموش خواهیم کرد. صحیح اشتباه

قسمت شانزدهم :

حضرت بهاءالله می فرمایند :

« و اینکه سؤال نمودید روح بعد از خراب بدن به کجا راجع می شود، اگر به

حق منسوب است به رفیق اعلی راجع ، لعمرالله به مقامی راجع می شود که

جمیع السن و اقلام از ذکرش عاجز است. هرنفسی که در امرالله ثابت و

راسخ است بعد از صعود جمیع عوالم از او کسب فیض می نمایند» (۱۷)

۱- جملات ذیل را کامل کنید :

الف- اگر روح انسان به حق منسوب است به ----- راجع می شود.

ب- «به مقامی راجع می شود که ----- از ذکرش ----- است .»

ج- «هر ----- که درامرالله ----- و ----- است بعد از -----
جمع ----- از او ----- می نمایند.»

قسمت هفدهم :

حضرت بهاءالله می فرمایند :

«ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور برخلاف
رضا از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و
عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمع این ایام و عوالم
قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البته به جمع آنها رسیده
فائز گردید» (۱۸)

۱- جملات ذیل صحیح است یا اشتباه ؟

- الف- وقتی امور به نحوی که ما می خواهیم پیش نمی رود باید
محزون باشیم .
ب- به هر نحو که بگذرد چه خوب و چه بد، خداوند آنگونه مقدر
فرموده است.
ج- ما مطمئن شده ایم که روز فرح و سرور خواهد رسید .
د- عوالم دیگر الهی مقدس و مملو از شکوه روحانی است .
ه- سرنوشت ما چنین است، هم در این عالم و هم در عالم بعد،
از مواهب این عوالم بهره مند گردیم .
- اشتباه صحیح
اشتباه صحیح
اشتباه صحیح
اشتباه صحیح
اشتباه صحیح

۲- جملات ذیل را کامل نمایید:

- الف- اگر امور به خلاف آرزو میل ما واقع شود نباید ----- شویم .
ب- ایام ----- و ----- برای ما مقدر شده است .
ج- عالمهای ----- جلوه خواهد نمود .
د- خداوند قسمتی از این فضل را در این ----- و ----- برای ما مقدر فرموده است .
ه- در این عوالم ----- سهمی از ----- را به دست خواهیم آورد .

۳- سوالات :

الف- وقتی که امور برخلاف میل و آرزوی ما واقع می شود چرا نباید محزون شویم ؟ -----

ب- حضرت بهاءالله در این بیان مبارک ما را به چه وعده فرموده اند؟ -----

قسمت هیجدهم :

در این دوره، درباره معنی حقیقی حیات انسانی مطالعه و تفکر نمودید. از بیانات مختلفه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء مطالب مهمه بسیاری راجع به طبیعت روح، هدف از حیات و اهمیت کسب کمالات روحانیه در این عالم و همچنین نوید و بشارات زندگانی ابدی مملو از سرور و جلال برای افرادی که به عرفان مظاهر الهیه موفق شده و برحبش ثابت و راسخ بوده اند، آموخته اید.

برای پایان این دوره مناسب است درباره تأثیری که درک این مفاهیم جدید در زندگیتان خواهد داشت به تفکر پردازید. حال که دانستید این زندگی خاکی فقط دوره کوتاهی از حیات ابدی شماسست، حیاتی که باید خود را به جهت آن با عزم و پشتکار آماده نمائید، به چه نحو زندگی خواهید کرد؟

برای کمک به شما در تفکر برای تصمیمی که می خواهید در زندگی خود بگیرید چند موضوع ذیلاً ارائه می شود که ممکن است درباره هر کدام ساعتها به تفکر پردازید. می توانید راجع به هر موضوع مقداری بنگارید و یا آنکه آن را با گروه کوچکی از دوستانتان مورد بحث قرار دهید .

حال که می دانم زندگی من در این کره خاکی شروع می شود و تا ابد مرا بسوی حق راهنمایی می کند مطالب ذیل دارای چه مقدار اهمیت برایم می باشند؟

- ۱- اطاعت از دستورات و احکام حضرت بهاءالله.
- ۲- مشارکت در رفاه و آسایش بشریت .
- ۳- خدمت به امر الهی و عالم انسانی .
- ۴- پایداریم بر عهد و میثاق الهی .

مراجع

- ۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، شماره ۸۱ ص ۱۰۵
- ۲- همان مرجع ، شماره ۱۶۵ ص ۲۲۲
- ۳- همان مرجع ، شماره ۲۹ ص ۵۳
- ۴- مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء (تک جلدی) ص ۱۳۲
- ۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۵ ص ۱۴
- ۶- همان مرجع ، شماره ۸۲ ص ۱۰۷
- ۷- همان مرجع ، شماره ۲۷ ص ۲۱۰
- ۸- همان مرجع ، شماره ۲۷ ص ۵۰
- ۹- همان مرجع ، شماره ۲۷ صص ۵۰ - ۵۱
- ۱۰- همان مرجع ، شماره ۲۱ ص ۴۰
- ۱۱- همان مرجع ، شماره ۱۲۲ ص ۱۶۷
- ۱۲- همان مرجع ، شماره ۸۱ ص ۱۰۵
- ۱۳- همان مرجع ، شماره ۸۶ ص ۱۱۳
- ۱۴- همان مرجع ، شماره ۱۲۵ ص ۱۷۱
- ۱۵- ترجمه آثار حضرت عبدالبهاء
- ۱۶- ترجمه آثار حضرت عبدالبهاء
- ۱۷- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، شماره ۸۲ ص ۱۰۸
- ۱۸- همان مرجع ، شماره ۱۵۳ ص ۲۱۱